

رشد آموزش زبان

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
برای دبیران، دانشجویان و کارشناسان آموزش و پرورش

دوره هجدهم • اسفند ۱۳۹۱ • شماره پی در پی ۱۰۴



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: محمدرضا حشمتی

شورای برنامه ریزی و کارشناسی:

منصور ملک عباسی، علی اصغر جعفریان

فرحناز حدادی و لیلی محمدحسین

مدیر داخلی: فاطمه محمودیان

ویراستار: کبری محمودی

طراح گرافیک: ندا عظیمی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی،
پلاک ۲۶۶

صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۷۹

تلفن: ۸۸۴۹۰۲۳۲

نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

پيام نگار: rahnamayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد سر دبیر: ۱۱۵

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶

شمارگان: ۱۴۰۰۰ نسخه

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- تحول زیباست! / محمدرضا حشمتی ۲
- خانم اجازه! همه ساختمان ها خراب می شوند؟ / ثمانه ایروانی ۳
- همیاری دانش آموزان در تفاهم مدرسه ای / لیلی محمدحسین ۶
- جهش آموزشی با اجرای سند تحول بنیادین / سمانه آزاد ۸
- تربیت در محیط آموزشی / مریم مختارپور ۱۴
- هوشمندان طبیعت گرا و موسیقی گرا / محمد شاکر - مهدی رضاییان ۱۶
- پرسش او قابل احترام است / هیوا علیزاده ۱۸
- انتقال تجربه ها در کلاس های آموزشی / دکتر نیره شاه محمدی ۲۱
- مورچه شناسی / ارضیه صادق بزرگی - زینب سادات هاشمی ۲۴
- مجلات رایگان برای معلمان / معصومه خیرآبادی ۲۶
- پیوند مفاهیم علوم انسانی و درس شیرین ریاضی ۲۸
- مرور راه گذشته و اندکی درنگ در مسیر پیش رو / محمد دشتی ۳۰
- اسامی برندگان نظر سنجی ۳۲

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم

طراح جلد: ندا عظیمی

– مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدفها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود.
– کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلیدواژهها) از متن استخراج شوند.
– مقاله باید دارای تیتراژ اصلی، تیترهای فرعی در متن و سوتیتر باشد.
– معرفی نامه کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه یک قطعه عکس، عنوانین و آثار وی پیوست شود.
– مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است.
– مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود.
– آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبنی بر رأی و نظر مسئولان مجله نیست.

– مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و ساختار این مجله مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد.
– مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید.
– مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله ها می توانند با نرم افزار word و روی سی دی یا از طریق پیام نگار مجله ارسال شوند.
– نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود.
– محل قرار دادن جدولها، شکلها و عکسها در متن مشخص شود.

تحول زیباست!

محمدرضا حشمتی

در نشستی با معلمان تهران در اوایل آذرماه، بر سر تغییر شرایط آموزشی بحث بود. از دوستان حاضر در جلسه سؤال شد که آموزش امروز با آموزش ده سال گذشته چه فرقی کرده است؟ همکاران به چند نکته اشاره کردند:

- بچه‌ها خیلی فرق کرده‌اند، میزان حرف گوش کردن آن‌ها کمتر شده است.
- توان کار با رایانه آن‌ها بیشتر شده است. گاهی اوقات اطلاعات آن‌ها از ما بیشتر است.
- بچه‌ها برای یادگیری عمیق مطالب انگیزه کمتری دارند.
- بچه‌ها کتاب‌های درسی را حفظ می‌کنند.
- بچه‌ها آموزش تئوری صرف را نمی‌پذیرند، آن‌ها نمونه‌های واقعی زندگی را خواستارند.
- نظام آموزشی ما تغییر خاصی نکرده است و پیشرفتی نداشته‌ایم.
- امکانات مدارس کم است.
- نسل جدید باهوش‌تر شده‌اند اما بی‌انگیزه‌تر.
- مطالب درسی خشک است و انگیزه‌بخش نیست. هنر معلم در تدریس خیلی مهم است.
- محتوای کتاب‌های درسی با شیوه‌های جدید منطبق نیست.
- درس خواندن جایگاه خودش را از دست داده است.
- در حالی که محتوای کتاب تغییر نکرده، از ساعت آموزشی کاسته شده است.
- تدریس ما هنوز قدیمی و سنتی است. باید تغییر کنیم.

و...

همه قبول داریم که دانش‌آموزان دهه ۹۰ با دانش‌آموزان دهه ۸۰ تفاوت دارند. جان کلام در نکته آخر است که معلمان ما اذعان می‌کنند که خودشان هم باید تغییر کنند! تغییر در ما معلمان زمانی امکان پذیر و در نتیجه اثربخش خواهد بود که بتوانیم با شناخت دقیق شرایط موجود پاسخ‌گوی نیاز نسل امروز باشیم.

نوع ارتباط ما با دانش‌آموزان، چگونگی تهیه طرح درس و فعالیت‌های کلاسی و مدرسه‌ای، چگونگی ارائه تکالیف، چگونگی ارزشیابی‌های آغازین، مستمر و پایانی و چگونگی استفاده از ابزارهای کمک آموزشی و فناوری آموزشی، عوامل مهم و زمینه‌ساز نزدیکی ما به نیازهای نسل جدیدند. امیدواریم با آغاز سال جدید، با دقت در چگونگی تغییر و تحول در ظاهر و باطن طبیعت، از طبیعت بیاموزیم تغییر و تحول را. چه بخواهیم چه نخواهیم، در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ تحول آموزش و پرورش به سراغ ما می‌آید. شایسته است برای پذیرایی مناسب از این مهمان خواننده و ماندگار خود را آماده کنیم. چگونه؟! شما بگویید.

خانم اجازه! همه ساختمان‌ها خراب می‌شوند؟

ثمانه ایروانی



عکس: علیرضا وحید

به ما گفته‌اند تنهایی به خوابگاه نرویم، چون ممکن است دیوارهای ترک خورده بریزند.

این سؤالش مثل پتک می‌خورد توی سر من مهندس. می‌پرسم کدام خوابگاه؟ با دست به سمت کوه اشاره می‌کند و می‌گوید خوابگاه ما آنجاست. از آن‌ها می‌خواهم ببینند با هم برویم خوابگاه را ببینیم؟ با سر رضایتشان را اعلام می‌کنند و همه دوان دوان می‌رویم به سمت خوابگاه جدید. شیشه‌ها شکسته است و دیوارهای اصلی راهرو ترک‌های عمیقی دارد. نمای ساختمان هنوز تمام نشده و می‌شود سازه ساختمان را دید. وقتی به ستون‌ها و تیرهای بتنی نگاه می‌کنم، می‌بینم اتصال آن‌ها در موقع بتن‌ریزی به درستی انجام نشده و ساختمان از همان نقاط ترک‌های عمیقی برداشته است. هر مهندسی این را می‌داند، یا حداقل در زمان تحصیلش به او آموزش داده‌اند، که اتصال ستون به تیر بتنی باید در زمان بتن‌ریزی انجام شود تا گیرش مخلوط به طور هم‌زمان اتفاق بیفتد. حرفی ندارم به بچه‌ها بگویم. می‌گویم عیب ریزش ساختمان را با زبان ساده برایشان توضیح دهم، اما می‌دانم همچنان ذهنشان درگیر است که: «چرا ساختمان‌های جدید هم خراب می‌شوند؟»

یکی از آن‌ها از من می‌پرسد: «خانم اجازه! نمی‌شود هیچ ساختمانی پله نداشته باشد؟»

می‌پرسم چرا پله نداشته باشد! و او می‌گوید: «من دوست ندارم کلاس در طبقه دوم باشد. خانم، می‌دانید، ما هنوز پس‌لرزه داریم. هنوز از زمین‌صداهایی می‌آید. یعنی زمین هنوز می‌خواهد بلرزد و من هم نمی‌توانم بدوم؟ یعنی نمی‌توانم خیلی مثل بقیه هم کالاسی‌هایم سریع بدوم. به همین دلیل، اگر مدرسه ما پله داشته باشد و کلاس ما بالا باشد، وقتی زلزله بیاید، من نمی‌توانم تند بدوم و بیایم پایین و زیر آوار می‌مانم.»

به یکی از روستاهای ورزقان رفته بودم تا بررسی‌های میدانی خود را شروع کنم. سعی کردم ارتباطم را با کودکانی که هزارگاهی از کوچه‌های روستاها پیاده یا سواره حرکت می‌کردند، حفظ کنم. با گروه همراه به مدرسه‌ها رفتیم. مدرسه‌هایی که بخشی از آن‌ها تخریب شده بودند، تعدادی از آن‌ها آسیب دیده و یکی دو تا از آن‌ها نیز سالم مانده بودند. چشمم در نگاه دختری دوخته شد. لبخند زدم و کوشیدم در کنارش بنشینم. آفتاب ورزقان در این وقت سال - مهر ماه ۹۱- دلنشین است. نه سرد است و نه گرم. چهره زیبایی دختران آذربایجان در سایه این آفتاب زیباتر جلوه می‌کند. به چشمان عسلی‌اش خوب نگاه می‌کنم. نگاهش پر از سؤال است. می‌گویم بپرس. دوستان دیگرش نیز کنارمان می‌آیند، می‌خندند و می‌پرسند.

می‌پرسد: «خانم اجازه! بوتون ساختمان‌ها لار خراب اولور؟» جواب می‌دهم نه! ساختمان‌های قدیمی‌تر بیشتر خراب می‌شوند و ساختمان‌های کاه‌گلی و ساختمان‌هایی که دیوارهای قطوری ندارند؛ مثل خانه‌های شما. چند نفر از شما خانه‌هایشان خراب شده است؟ همه‌شان دستشان را بلند می‌کنند. چیزی ندارم بگویم. با اطمینان از پاسخی که داده‌ام، دوباره تکرار می‌کنم: آره بچه‌ها، ساختمان‌های جدید یا ساختمان‌هایی که نوسازی مدارس و بنیاد مسکن برای شما می‌سازند، دیگر خراب نمی‌شوند.

خوابگاه نوساز

می‌پرسد: «خانم اجازه! نییه پس بیزیم تازا یاتاق یثریمیز خراب اولوبدور؟» آنجا را پارسال افتتاح کرده بودند! تازه به ما گفته بودند که ستون‌های بتنی در مقابل زلزله بسیار مقاوم‌تر از خانه‌های ماست. پس چرا ما کل خوابگاه را تخلیه کرده‌ایم و همه در چادر زندگی می‌کنیم؟



پسر بچه گیر کرده‌اند. هنوز در ذهنم نمی‌توانم قبول کنم که بعد از زلزله، دوباره مسئولان برای ترمیم سقف ساختمان آموزش و پرورش، سقف طاق ضربی می‌سازند؛ سقفی که شاید ارزان‌تر و سریع‌تر باشد، نیروی کار ارزان‌تر بخواهد، اما حاصل آن چیزی جز تخریب دوباره در مقابل زلزله یا پس‌لرزه‌های احتمالی نیست.

با بچه‌ها منتظر ماشینی می‌شویم و دوباره از روستای مهترلو به ورزقان می‌رویم. در کمال بهت و ناباوری، همان چیزی را می‌بینم که پسر می‌گفت. این بار به کودکانی که ذهن‌هایشان پر از سؤال است می‌گویم، بچه‌ها مهندسان ناظر اینجا کار بسیار بدی کرده‌اند که سقف طاق ضربی ساخته‌اند. شاید این اولین بار است که در ذهنشان از کلمه مهندس بی‌اعتمادی ساخته‌ام!

مانور زلزله

بچه‌ها خسته شده‌اند. مدادهای شمعی و رنگی آورده‌ام. به همه‌شان می‌گویم بچه‌ها برایم زلزله را بکشید. برایم کلمه «زلزله» را نقاشی کنید. شروع به کار می‌شوند و من غرق در سؤالاتی می‌شوم که کودکان، در ذهن منی که طراح ساختمان هستم، ناخواسته ایجاد کرده‌اند. یکی از بچه‌ها حین نقاشی کشیدن می‌گوید: «خانم اجازه، مانور زلزله را هم بکشیم؟»

می‌پرسم: «مانور زلزله؟» یکی از پسرها با خنده می‌گوید: بله خانم، همان مانور بی‌خاصیت که هر سال در مدرسه یادمان می‌دهند. سؤال می‌کنم چرا بی‌خاصیت؟ آن مانور به شما چیزهای زیادی یاد می‌دهد. اینکه چه طور پناه بگیریم، چه طور از خودتان محافظت کنید و خیلی چیزهای دیگر.

پسر می‌گوید: «بی‌خاصیت بود، چون من هنگام زلزله، همان‌ها را به خاله پیر و از پا افتاده‌ام گفتم، اما او زیر آوار ماند و مُرد.»

تعجب می‌کنم و می‌گویم مگر تو دقیقاً چه چیزی یاد گرفته‌ای و چه چیزی به خاله‌ات گفتی؟ و او توضیح داد که طبق

عمق ترس را در زیر پوستشان حس می‌کنم. به او می‌گویم، عزیزم، ساختمان‌ها می‌توانند یک طبقه یا چند طبقه باشند. تعداد طبقات به خراب شدن آن‌ها ربطی ندارد. مثلاً کشور ژاپن ساختمان‌های بسیار بلند مرتبه زیادی دارد، اما همه در مقابل زلزله مقاوم هستند. اصلاً کسی از ساختمان فرار نمی‌کند که بخواهد آن همه پله را پایین بیاورد. نحوه ساخت ساختمان است که مقاومت آن را در مقابل زلزله تضمین می‌کند نه پله داشتن یا نداشتن آن.

تکرار اشتباه

خانم اجازه! چه سقف‌هایی خراب می‌شوند؟ بچه‌ها سؤالات زیادی دارند. می‌خواهند سقفی صاف و مطمئن، با مصالحی که من برایشان توضیح می‌دهم، در ذهنشان تصور کنند و بعد با اطمینان زیر آن بخوابند، مشق بنویسند یا نقاشی بکشند. با دست اشاره به یک ساختمان و سقف نیمه تخریب شده آن اشاره می‌کنم و توضیح می‌دهم که بچه‌ها، این یک سقف طاق ضربی است. سقف‌های طاق ضربی کمترین استقامت را در مقابل زلزله دارند. دلیل مهندسی آن را نیز به زبان ساده تر برایشان شرح می‌دهم و سپس می‌گویم به همین دلیل است که سازمان نظام مهندسی به هیچ ساختمانی اجازه ساخت سقف طاق ضربی را نمی‌دهد. یکی از پسران راهنمایی که در گوشه‌ای نشسته است و به حرف‌های ما گوش می‌دهد، می‌گوید اما من دیده‌ام که اجازه می‌دهند. تعجب می‌کنم، اما با حالت انکار به او می‌گویم: حتماً مدل دیگری داشته است و قطعاً طاق ضربی نیست. با اطمینان می‌گویم که ساختمان اصلی اداره آموزش و پرورش ورزقان که تمام کارمندان آن الان توی حیاط در چادر هستند و سقف راه‌پله‌های آن تخریب شده است، در بازسازی دوباره به شکل همین طاق ضربی که شما می‌گویید در حال ساخت است.

دختران همه نگاهشان به سمت من است. منتظرند چیزی بگویم. آن‌ها تا الان حرف‌ها را سریع‌تر و بهتر از پسران قبول می‌کردند، اما در مقابل سؤال چالش‌گرایانه این

من دوست ندارم
کلاس‌م در طبقه دوم
باشد. خانم، می‌دانید،
ما هنوز پس‌لرزه
داریم. هنوز از زمین
صداهایی می‌آید.
یعنی زمین هنوز
می‌خواهد بلرزد و من
هم نمی‌توانم بدوم





همهٔ ساختمان‌هایی که بدون مسئولیت و وجدان کاری ساخته شوند، چه جدید و چه قدیمی، حتماً خراب می‌شوند



آخر افراد مجروح در زیر آوار گریستم. برای بی‌مسئولیتی این همه مهندس دست‌اندرکار ساختمان‌های روستایی و شهری گریستم. من تسلیم شده بودم. تسلیم سؤال‌ها و اشک‌های بی‌پایان کودکانی که تمام نظریه‌ها و آموخته‌های چندین و چند سالهٔ مرا با تجربه‌ای ده دقیقه‌ای از زلزله، زیر پایم ریخته بودند. من به تمام این‌ها گریستم. اکثر مسئولان پیشنهاد آمدن گروه عمو پورنگ، بردن بچه‌ها به اردو، تفریحات و ورزش بیشتر برای بچه‌ها را به منظور افزایش روحیه‌شان داده بودند. شاید این کارها تأثیر موقتی زیادی داشتند، اما هیچ‌گاه نمی‌توانستند ذهن پر از سؤال و ابهام آن‌ها را در عملکرد مهندسان در خانه و بالاحص مدرسه‌شان جواب دهند. به یاد اولین سؤال بچه‌ها افتادم. در دلم به دخترک جواب دیگری دادم و گفتم، آره عزیزم، متأسفانه «همهٔ ساختمان‌هایی که بدون مسئولیت و وجدان کاری ساخته شوند، چه جدید و چه قدیمی، حتماً خراب می‌شوند».

رفته بودم آرامشان کنم و به آن‌ها امید بدهم. نوید ساختمان‌هایی جدید و مقاوم در برابر زلزله را بدهم و آماده‌شان کنم برای شروعی دوباره در امنیت کامل. اما می‌دانم که بیشتر نگرانشان کردم که چگونه باید دوباره در مدرسه و مدرسه‌هایی درس بخوانند که هنوز بوی رنگ می‌دهد، اما سقف‌های طاق ضربی و غیرمهندسی آن‌ها ممکن است هر آن دوباره عزیزانشان را له کند!

نقاشی زلزله

نقاشی‌های بچه‌ها تمام شده بود. به یکی از بچه‌ها که روستایی با خانه‌های زیبا کشیده بود گفتم، زیبا کشیده‌ای! اما من می‌خواستم «زلزله» را برایم به تصویر بکشی! جواب داد: «آن را هم الان می‌کشم. نقاشی زیباییش را مقابل من و بچه‌ها گرفت و از قطر کاغذ شروع به پاره کردن آن کرد؛ آرام، آهسته و ممتد. به طوری که همه صدای پاره شدن کاغذ را می‌شنیدیم. بعد گفت: «زلزله یعنی این»!

آموزش‌های مانور زلزله، به خاله‌اش گفته است که به گوشهٔ اتاق برو و در زیر ستون ساختمان پناه بگیرد. در واقع پیرزن نمی‌توانسته به سرعت از خانه خارج شود و پسر این پیشنهاد را به او داده بعد هم، با چشمان خودش دیده است که ساختمان از همان‌جا شکسته و ریخته روی سر خاله...

تصور سخنانش نیز برایم دلخراش بود. کودک ۱۱ ساله طوری برایم تعریف می‌کرد و تمام قوانین مقابله با زلزله را که آموخته بود به سخره می‌کشید که گویی تجربه‌اش بسیار فراتر و عمیق‌تر از آن چیزی بود که من بتوانم آن را با حرف‌های نظری‌ام اصلاحش کنم.

چطور باید توضیح می‌دادم که مانور درست بوده است، اما ستون ساخته شده توسط مهندس آن قدر مقاومت نداشته که بتواند آن بندهٔ خدا را از خطر مرگ نجات دهد!

صدای گریهٔ یکی از دختران بلند شد. بقیه هم گریه کردند. او نیز از مانور دل‌خوشی نداشت. آنچه آموزش دیده بود، منجرش کرده بود. می‌سوخت و می‌گفت. من هم گریه‌ام گرفت. گفتم بگو... گفت من هم به خواهر کوچکم گفتم زیر چارچوب در بایستد تا سقف روی سرش نریزد. اما چارچوب از جایش درآمد و یک عالمه آجر روی سر خواهرم ریخت. خانم اجازه: چرا؟ خانم چرا ریخت؟ مگر من غلط گفتم؟ مگر همین طوری نبود؟ من زهرا را دوست داشتم. تقصیر من بود که به او گفتم آنجا بایستد؟ خب این‌ها را معلم‌مان به ما یاد داده بود. پس چرا این طوری شد؟!

جوابش ساده بود، اما من دیگر قادر نبودم توضیح بدهم. جواب دادن در اینجا یعنی همهٔ احساسات او را له کردن. یعنی توجه نکردن به عمق فاجعه. جواب دادن من اینجا شبیه مسئولانی می‌شد که فقط می‌شنوند و می‌گویند ان شاءالله در برنامه‌های آتی فلان کار را می‌کنیم. جواب دادن به او یعنی له کردنش. دیگر کلمات نمی‌توانستند آرامش کنند. مانند او گریستم؛ بلند بلند. به همهٔ آنچه که در دانشگاه‌هایمان قول داده بودیم، گریستم. به نداشتن وجدان کاری مهندسی گریستم. به نداشتن امنیت ساخت‌وساز در اینجا گریستم. به نفس‌های

- پی‌نوشت
۱. «خانم اجازه! همهٔ ساختمان‌ها خراب می‌شوند؟»
 ۲. «خانم اجازه! پس چرا خوابگاه جدید ما خراب شده است؟»

یکی از راه‌های مهم ایجاد فرهنگ تفاهم و احساس تعلق در مدرسه، ایجاد رابطه‌ای منطقی بین دانش‌آموزان پایه‌های متفاوت است. اگر دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر زمان‌هایی را با دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر سپری کنند، شرایط احتمالی سخت مدرسه برای دانش‌آموزان کوچک‌تر آسان می‌شود. گاه می‌توان در ابتدای سال از فارغ‌التحصیلان پایه‌های بالاتر به عنوان سخنران مهمان دعوت کرد. مثلاً بچه‌های کلاس دوم به کلاس اولی‌هایی که از ششم دبستان آمده‌اند، بگویند: «بگذارید به شما بگوییم شرایط اینجا چه‌طور است.» یا: «ای کاش بیشتر ریاضی می‌خواندیم و در مبحث کسر بیشتر تمرین می‌کردیم. چون واقعاً امسال به آن نیاز داریم.»

معلم‌ان باتجربه معمولاً در شروع سال تحصیلی با سؤال‌هایی نظیر سؤال‌های زیر می‌کوشند چشم‌انداز مشترکی برای دانش‌آموزان کلاسشان ترسیم کنند:

- دوست دارید کلاستان چه‌طور باشد؟
- دوست دارید من با شما چگونه رفتار کنم؟
- دوست دارید هم‌کلاسی‌هایتان با شما چگونه رفتار کنند؟
- چه چیزی ممکن است باعث شود در پایان سال بگویید این کلاس بهترین کلاس بوده است؟
- چنین سؤال‌هایی باعث می‌شوند دانش‌آموزان به کلاسشان احساس تعلق بیشتری پیدا کنند. در طول سال باید کاری کنیم که این احساس تعلق تقویت شود.

همیاری دانش‌آموزان در تفاهم مدرسه‌ای.

تقویت فرهنگ تفاهم در مدرسه

لیلی محمدحسین
مدیر مدرسه منطقه یک تهران



اولیای مدرسه می‌توانند به کمک دانش‌آموزان بزرگ‌تر، آخر هر سال یا هر نیم‌سال تحصیلی، پوشه‌ای از پند و سفارش طراحی کنند که مورد استفاده دانش‌آموزانی که بعد از آن‌ها به آن پایه می‌آیند، قرار گیرد. این پوشه ممکن است به شکل نامه‌ای به دانش‌آموزان کلاس بعد، یا نوار صوتی یا ویدیویی باشد که در آن با یکدیگر مصاحبه می‌کنند. وبگاه‌ها هم رسانه‌هایی طبیعی برای این کار هستند. یک روش خوب می‌تواند چنین باشد: درست قبل از امتحانات نیم‌سال اول، فیلمی تهیه کنید. در بهار آن را ببینید و به آن مطلبی اضافه کنید. بعد آن را به دانش‌آموزانی بدهید که پاییز آینده از راه می‌رسند.

دانش‌آموزانی که این بسته یا پوشه را تهیه می‌کنند، مهم نیست که در چه سنی باشند، به نفع دانش‌آموزان کوچک‌تری که پایه به پایه پشت سر آن‌ها در نظام حرکت می‌کنند، موضع می‌گیرند. به همین دلیل اگر معلم هستید، حضور شما در این کار باید به حداقل برسد. اظهارنظرهای خودتان را حذف کنید. می‌توانید اظهارات دانش‌آموزان را به طور سازنده نقد کنید، ولی سعی نکنید محتوای سخنان آنان را تغییر دهید. این تمرینی برای بچه‌ها توسط خود بچه‌هاست.

برای تهیه این پوشه، معلمان یا مسئولان مدرسه می‌توانند چنین سؤال‌هایی از دانش‌آموزان بپرسند و پاسخ‌ها را ثبت کنند:

* وقتی سال را شروع می‌کردی چه انتظاری از مدرسه داشتی؟

* امسال، در مدرسه، چه چیز تو را شگفت زده کرد؟ (چه چیز برات عجیب بود؟)

* آیا دوست داشتی قبل از اینکه مدرسه را شروع کنی، کسی چیزهایی را به تو بگوید؟

* از خواندن چه چیزی بیشتر خوش‌حال می‌شوی و چرا؟

* دوست داشتی چه چیز را کمتر می‌خواندی و چرا؟

* الان درباره چه چیزهایی متفاوت از یک سال پیش فکر می‌کنی؟

* در سالی که گذشت چه چیزی برایت خیلی سخت بود؟ آیا دوست داشتی برای آن کمک بیشتری دریافت می‌کردی؟

اگر دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر زمان‌هایی را با دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر سپری کنند، شرایط احتمالی سخت مدرسه برای دانش‌آموزان کوچک‌تر آسان می‌شود

* می‌خواهی سال آینده چه کار کنی؟ پاسخ‌های دانش‌آموزان به سؤال‌های فوق نه تنها برای دانش‌آموزان سال آینده دورنمایی ترسیم می‌کند، بلکه فرصتی فراهم می‌آورد تا معلم و دانش‌آموز هر دو به تفکر درباره گذشته و تعمق در آن بپردازند. البته می‌توان این جریان تفکر و تعمق را در طول سال تحصیلی نیز فراهم کرد. معلمان می‌توانند از دانش‌آموزان بخواهند هر هفته یک صفحه حدود ۲۰۰ کلمه درباره فعالیت‌های کلاسی و تکالیفی که داشتند، نظر بدهند. این تکلیف می‌تواند رفتارهای دانش‌آموزان را نسبت به یکدیگر نیز تحت پوشش قرار دهد. معلمان می‌توانند برای اینکه انجام تکلیف را برای دانش‌آموزان آسان سازند، چند سؤال مطرح کنند؛ مثلاً:

- چه چیزی به نظرتان به طور خاص جالب بود؟
- دوست دارید درباره چه چیزی بیشتر بدانید؟
- اگر چیزی اول شما را گیج کرد، ولی بعد توانستید آن را درک کنید، چه طور برای شخص دیگری آن را توضیح می‌دهید؟

- درباره چه چیزی هنوز احساس گیجی می‌کنید؟ در زمینه رفتار ارتباطی دانش‌آموزان نیز می‌توان سؤال‌هایی مانند سؤال‌های زیر مطرح کرد:

- آیا به دقت و بدون قضاوت به حرف‌های دیگران گوش می‌کردم؟

- آیا در فعالیت‌های کلاسی و یا در جمع‌های خصوصی‌مان همه فرصت صحبت کردن داشتند؟

- آیا در گروه همه برای رسیدن به هدف مشترکمان فعالیت می‌کردیم؟

- آیا خودمان برای نوع رفتاری که مایلیم به وجود بیاوریم، الگو بودیم؟

- آیا می‌توانیم حتی در صورتی که با هم موافق نیستیم، با هم همکاری کنیم؟

- آیا رفتار من به گروه کمک کرد یا مانع آن شد؟

- آیا من با احترام به دیگران با آنان رفتار می‌کردم؟

با تحلیل و گفت‌وگو درباره پاسخ‌های دانش‌آموزان، بعد از مدتی احساس یگانگی و تفاهم بین آنان تقویت می‌شود.

در گفت‌وگو با

دکتر محمدیان، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مطرح شد:

سمانه آزاد

جهش آموزشی با اجرای سند تحول بنیادین

اینکه مطالعات جدا از هم بودند، اما در این موضوع ارتباط معناداری با یکدیگر داشتند و به این نتیجه رسیده بودند که ما به چند دلیل باید دوره ابتدایی مان را اصلاح و به دوره شش ساله تقسیم کنیم. همچنین، نشان می‌دادند که شش سال دوره ابتدایی باید به دو دوره سه ساله تقسیم شود.

برخی مطالعات هم اعتقاد داشتند باید دوره ابتدایی را از پایان پنج سالگی آغاز کرد، اما جمع‌بندی شورای عالی انقلاب فرهنگی، با توجه به مقدمات اجرایی، این بود که ابتدایی از همان پایان شش سالگی آغاز شود. دلیلش هم این بود که چون دوره تحصیلی ما ۱۲ ساله است، اگر شروع تحصیلات را به پایان پنج سالگی کاهش دهیم، دانش‌آموزان باید در سن ۱۷ سالگی فارغ‌التحصیل شوند. در این صورت، برای دانش‌آموزان پسر، میان فارغ‌التحصیلی و رفتن به خدمت نظام وظیفه فاصله می‌افتد، در حالی که مراقبت اجتماعی و فرهنگی از دانش‌آموزان ۱۷ ساله، به مراتب از مراقبت او در سن پنج یا شش سالگی سخت‌تر است. در حالی که اگر بتوانیم برای دوره سنی پنج تا شش سالگی، نظام پیش‌دبستانی را طراحی کنیم، هم به لحاظ تأمین اهداف تربیتی مقرون به صرفه خواهد بود و هم نگهداری کودک در این سن آسان‌تر است. در عین حال، فرصت آموختن دانش به معنای صرف آن در ۱۷ یا ۱۸ سالگی وسیع‌تر است. لذا پیش‌بینی شد که شروع تحصیل از همان پایان شش سالگی باشد.

در نهایت، دوره ابتدایی، براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به شش سال شامل دو دوره سه ساله تبدیل شد. در سه سال نخست نظام دوری پیش‌بینی شده است. یعنی قرار شد برای اینکه دانش‌آموز از محیط خانواده فاصله نگیرد و رابطه عاطفی‌اش با معلم مانند والدینش باشد، یک معلم از کلاس اول تا سوم او را همراهی کند. بنابراین، باید محیط آموزش، ساعات آموزشی و مقررات آموزشی هم متناسب با این موضوع طراحی شوند.

پیش از اینکه سال تحصیلی ۹۲-۹۱ آغاز شود، خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش می‌دانستند که سال متفاوتی را تجربه خواهند کرد؛ چرا که قرار بود در این سال، با اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی، به جای تجربه محیط آموزشی جدید و قدم گذاشتن به مدرسه راهنمایی، تحصیلات خود را در پایه ششم ابتدایی ادامه دهند. البته اجرای این طرح با پرسش‌های آموزگاران و مدیران روبه‌رو شد؛ پرسش‌هایی نظیر اینکه چرا تحول بنیادین در آموزش و پرورش با تغییر ساختار و تبدیل آن به نظام ۳-۳-۶ آغاز شد؟ این نظام بر چه اساسی انتخاب شده است؟ و حالا چرا به صورت ضربتی اجرا می‌شود؟ برای یافتن جواب این پرسش‌ها بود که مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به سراغ حجت الاسلام والمسلمین دکتر محی‌الدین بهرام محمدیان رفت تا در گفت‌وگو با ایشان شما را از نظرات رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی آگاه سازد.

دکتر محمدیان معتقد است که اجرای این طرح، براساس مطالعات بسیار صورت گرفته است و به لحاظ شاخص‌های آموزشی، نوعی جهش محسوب می‌شود. نحوه اجرای طرح نیز از مناسب‌ترین روش‌های پیشنهادی بوده است.

● چرا تحول در آموزش و پرورش از تغییر ساختار و برپایی نظام ۳-۳-۶ آغاز شد؟

از چند سال پیش، مطالعات بنیادی درباره سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آغاز شد و در نهایت نزدیک به ۷۰ مطالعه صورت گرفت. هم‌زمان با این مطالعات، در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مطالعه دیگری نیز درباره برنامه درسی ملی انجام شد. این مطالعات از جهاتی مانند روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مبانی دینی صورت گرفته و همه به این نتیجه رسیده بودند که تقسیم‌بندی نظام آموزشی ما، به لحاظ روان‌شناختی، درست نیست. با

در دوره اول متوسطه
تقریباً همه بچه‌ها
روحیه استقلال‌خواهی
و استدلال‌خواهی را
تجربه می‌کنند و با
مسائل بلوغ روبه‌رو
هستند

اکنون هم با توجه به این موضوع، هر ساعت آموزشی ما در این سه پایه، بین ۳۵ تا ۴۰ دقیقه است. یعنی نسبت به پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ده دقیقه کمتر است، چرا که تحمل دانش‌آموزان هم در این سن کمتر است.

امسال هم از برخی مدارس که شرایط آن‌ها مهیا بود، خواستیم این طرح را اجرا کنند. یک‌جا بودن دانش‌آموزان هر شش پایه که برخی از همکاران و خانواده‌ها را نگران کرده است، در فرایند اجرای طرح و تحقق کلی، اصلاح و به دو دوره سه ساله تبدیل می‌شود.

موضوع دیگر درباره اجرای طرح ۳-۳-۶ و انتخاب پایه ششم این است که مطالعات نشان می‌دادند، اهداف تربیتی و آموزشی که در برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دوره ابتدایی پیش‌بینی کرده بودیم و قبلاً در شورای عالی آموزش و پرورش تصویب شده بود، در پنج سال قابل تحقق نیست.

علاوه بر این، مشاهدات روان‌شناختی و بالینی نشان می‌داد، ۱۲ ساله‌ها از چند نظر به دانش‌آموزان دوره ابتدایی نزدیک‌ترند، یعنی حس و عاطفه بین دانش‌آموزان ۱۰ و ۱۱ ساله قوی‌تر از استدلال است. به عبارت دیگر، سه ویژگی عمده که در دوره اول متوسطه در دانش‌آموزان ظهور و بروز بیشتری دارد، استدلال‌خواهی، استدلال‌خواهی و ارتباط با گروه‌های همسال است، در حالی که این صفات در دوره ابتدایی کم‌رنگ‌ترند و احساس و عاطفه بر آن‌ها غلبه دارد.

از سوی دیگر، بحث تربیتی هم در این میان مطرح است. با توجه به تغییر نظام تغذیه، فرهنگی و اجتماعی جامعه، بچه‌های ما با بلوغ زودرس روبه‌رو هستند؛ به خصوص در شهرها که بچه‌های ۱۴ ساله به بلوغ می‌رسند. حضور دانش‌آموزان ۱۱ ساله که جنبه عاطفی و حسی در آن‌ها غلبه دارد، در کنار بچه‌هایی که به بلوغ رسیده‌اند، ممکن است برای آن‌ها آسیب‌زا باشد. یعنی ممکن است بلوغ زودرس به سنین پایین‌تر تحمیل شود. در واقع، ما با برپایی نظام ۳-۳-۶ میان این دانش‌آموزان حفاظتی ایجاد می‌کنیم.

در دوره اول متوسطه تقریباً همه بچه‌ها روحیه استقلال‌خواهی و استدلال‌خواهی را تجربه می‌کنند و با مسائل بلوغ روبه‌رو هستند. در این دوره، ما باید زبانی واحد و مشترک، مباحث تربیت اخلاقی و جنسی را مطرح کنیم، در حالی که برای بچه‌های ۱۰ و ۱۱ ساله طرح این مباحث زود است.

سومین نکته برای برپایی کلاس ششم ابتدایی به نظام ارزشیابی مربوط است. ما تا چند سال قبل نظام ارزشیابی کمی داشتیم و حتی در دوره ابتدایی تکرار پایه و مردودی پیش‌بینی شده بود. در آن زمان، گاهی پیش می‌آمد که در کلاس اول، هم دانش‌آموز ۷ ساله درس بخواند و هم دانش‌آموز ۹ ساله‌ای که یک سال مردود شده است. در پایه‌های دیگر ابتدایی هم همین‌گونه بود که آسیب‌زا محسوب می‌شد. اما بعد از اصلاح آیین‌نامه‌ها و ارزشیابی

مرکز سنجش ملی
باید دانش‌معلمان،
مهارت‌های حرفه‌ای
آنان، فضای آموزشی،
قوانین، محتوای
آموزشی و اساساً همه
فرایند آموزشی را
بسنجد



عکس: اعظم لاریجانی

ما در حال تحول هستیم، یعنی هم پوست عوض می‌کنیم و هم جان. در واقع، مراد از تحول تنها نوآوری نیست. تحول نواندیشی است

توصیفی، دیگر دانش آموز در دوره ابتدایی مردود نمی‌شود. در نتیجه، مشکل کنار هم بودن دانش آموزان سنین متفاوت در یک پایه هم برطرف شد.

این سه نکته در کنار هم باعث شد که دوره ابتدایی به دو دوره سه ساله تبدیل شود.

یکی از نتایج برقراری نظام ۳-۳-۶ این است که دوره شش ساله ابتدایی و سه ساله دوره اول متوسطه جزو تحصیلات عمومی یا اجباری محسوب می‌شوند. یعنی قبل از این، تعداد سال‌های تحصیلات عمومی که شامل ابتدایی و راهنمایی می‌شد، ۸ سال بود. اما با اجرای این طرح به ۹ سال افزایش یافته است. یعنی ماندگاری دانش آموزان در آموزش عمومی آموزش و پرورش را توسعه داده‌ایم که به لحاظ شاخص‌های آموزشی جهش محسوب می‌شود.

● چرا همه ساختار یک‌جا و به صورت ضربتی تغییر یافت؟

ما هر زمان که می‌خواستیم در راه تحول قدم بگذاریم، یکی از این سبک‌ها ایجاد می‌شد. اما اکنون مسئولان آموزش و پرورش به این نتیجه رسیده‌اند که همه باید تلاش کنند تا این نظام مستقر شود. اگر این کار به صورت ضربتی اتفاق نمی‌افتاد، احتمال داشت در تحول دولت‌ها و تغییرات سیاسی، اولویت‌ها نیز تغییر پیدا کند. اما اکنون همه این نظام را پذیرفته‌اند و همه ما باید لوازم کار را فراهم کنیم.

البته روش‌های دیگری برای اجرای تحول پیش‌بینی شده بود، اما مناسب‌ترین راه همین بود. پیش‌بینی شده بود که هر یک سال، دو پایه، یکی از آغاز و دیگری از پایان دوره، تغییر کند. سپس محتوای دوره راهنمایی براساس ششم دبستان و هم‌سو با برنامه درسی ملی طراحی شود. البته همه فعالیت‌های ما با برنامه درسی منطبق هستند، اما از سال ششم به بعد، اصلاحاتی ایجاد می‌شود. یعنی وقتی بچه‌های سوم، چهارم و پنجم ابتدایی به دوره اول متوسطه می‌رسند، اصلاحاتی صورت می‌گیرد.

اما به نظر من اکنون باید شاخص‌هایی تدوین شوند که نتیجه کار را بعد از اجرای سند تحول بنیادین بسنجند. باید شاخص‌های کلانی را تدوین و طراحی کنیم تا برون‌داد نهایی ما در ۱۲ سال آینده سنجیده شود. به این ترتیب که ابتدا با این شاخص‌ها آموزش و پرورش فعلی را در ساحت‌های علمی، آموزشی، تربیتی، اخلاقی، هویتی، اعتقادی و... بسنجیم و سپس در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ هم بار دیگر این سنجش صورت گیرد تا بدانیم برون‌داد نهایی آموزش و پرورش چه تغییری کرده است.

ما در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی، عناصر جدید را در حوزه‌های یادگیری پیش‌بینی کردیم؛ مانند آداب و مهارت زندگی، حکمت و تفکر، بهداشت و سلامت و... باید همه این‌ها را شاخص‌گذاری کنیم تا بدانیم چقدر به جلو حرکت کرده‌ایم. حتی برای سنجش دقیق‌تر باید به هر نقطه‌ای که می‌رسیم، فعالیت‌های خود را ارزیابی کنیم. مثلاً سال تحصیلی آینده که سوم ابتدایی را طراحی می‌کنیم، باید دانش آموزان پایه‌های اول و دوم را ارزیابی کنیم تا بدانیم چقدر به اهدافمان نزدیک شده‌ایم.

● چه کسی باید این شاخص‌ها را طراحی کند؟ آیا خود سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند این کار را انجام دهد؟

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی یک سازمان برنامه‌ریز و تولیدکننده محتوای آموزشی است. البته اکنون پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش زیر نظر ما فعالیت دارد و اعتباربخشی و ارزشیابی را هم ما انجام می‌دهیم. اما در سند ملی برای این کار یک مرکز سنجش ملی پیش‌بینی شده است. در واقع، این کار را باید مرکز سنجش وزارت خانه آموزش و پرورش انجام دهد. یعنی این مرکز باید تغییر جهت بدهد و از اداره کل امتحانات به مرکز سنجش تبدیل شود و بر همه مؤلفه‌های آموزش و پرورش نظارت کند.

اکنون ما تنها ارتقای تحصیلی و نرخ قبولی را مدنظر قرار می‌دهیم، در حالی که مرکز سنجش ملی که مراد ماست باید دانش معلمان، مهارت‌های حرفه‌ای آنان، فضای آموزشی، قوانین، محتوای آموزشی و اساساً همه فرایند آموزشی را بسنجد. البته برای این کار علاوه بر نظارت دولتی، باید نظارت عمومی و نخبگانی هم بر آموزش و پرورش وجود داشته باشد و آن را نظارت، حمایت و هدایت کند. یعنی نخبگان باید در مقام ناظر، فعالیت‌های آموزش و پرورش را با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بسنجند و هم ما را حمایت و هدایت کنند و هم اشکالات کار را به ما منتقل کنند. همچنان که دستگاه‌های نظارتی مانند شورای عالی آموزش و پرورش، شورای انقلاب فرهنگی و مجلس محترم شورای اسلامی و نیز مقامات ارشدی مانند رئیس‌جمهور و نمایندگان خاص رهبری، قدم به قدم ما را خواهند سنجید. ما در حال تحول هستیم، یعنی هم پوست عوض می‌کنیم و هم جان. در واقع، مراد از تحول تنها نوآوری نیست. تحول نواندیشی است. تحولی که در سند پیش‌بینی شده، یعنی باید همه جان‌مایه‌های تعلیم و تربیت عوض شود تا با نظریه اسلامی تعلیم و تربیت و رویکرد فرهنگی ایرانی منطبق شود. بنابراین تحول نیازمند نظارت است.

در امر آموزش و پرورش معلم عنصر بسیار مهمی است، پس باید برای آن‌ها برنامه‌های به‌سازی، بازسازی و آموزش ضمن خدمت در ارتباط با محتوا و اهداف برنامه جدید طراحی کنیم

نقد نقطه قوت است
نه نقطه ضعف. البته
متأسفانه برخی
نقد را با سلیقه‌ها و
تمایلات شخصی
اشتباه می‌گیرند، در
حالی که نقد یعنی
سنجیدن نقاط قوت
و ضعف، کاستی‌ها و
توانمندی‌ها در کنار
هم

براساس تحول
بنیادین، معلم
دیگر در قامت
انتقال‌دهنده مفهوم
ظاهر نمی‌شود،
بلکه به عنوان
راهنمای آموزشی، یک
پژوهنده و برنامه‌ریز
درس فعالیت خواهد
داشت. معلم باید
تواند اسوه باشد و
هدف تربیتی را هم
در فرایند یاددهی -
یادگیری تأمین کند

یکی از مهم‌ترین اهداف این دوره آن است که دانش‌آموز در پایان دوره به حدی برسد که بتواند خود را مدیریت کند. یعنی بتواند اقتصادش را مدیریت کند، نحوه دوست‌یابی‌اش را بداند، برای برنامه‌داری و اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کند، موقعیت خود را تشخیص دهد و در جهت تکوین و تعالی شخصیت خود گام بردارد. انتظار داریم، دانش‌آموز در دوره اول متوسطه به این مرحله برسد تا در دوره دوم متوسطه خودگردان باشد و شخصیت مستقلی پیدا کند. این مهم‌ترین هدف تربیتی دوره اول متوسطه است. البته این اهداف در دوره ابتدایی هم پیش‌بینی شده‌اند، اما در این دوره با مراقبت والدین و آموزگار همراه است.

● جایگاه مشاوره در دوره اول متوسطه چیست؟
آنچه ما در برنامه درسی ملی پیش‌بینی کرده‌ایم، هدایت همه‌جانبه است. اکنون هم یکی از رشته‌هایی که در دانشگاه فرهنگیان وجود دارد، رشته راهنمایی و مشاوره است. هدایت تحصیلی در طول تحصیل اتفاق می‌افتد. یعنی دانش‌آموزان در طراحی جدید باید یک کارنامه یا کارنامه فرهنگی، تحصیلی و شغلی داشته باشند تا استعدادهایشان مشخص شود. در واقع، با راهنمایی و مشاوره به دانش‌آموز کمک می‌کنیم خودش توانایی‌ها و استعدادهایش را بشناسد و براساس آن‌ها و با کمک خانواده و مشاور انتخاب رشته کند. یعنی دیگر دانش‌آموز نه به خاطر حرف‌های دیگران، بلکه با توجه به استعداد و علاقه خود، رشته تحصیلی و شغل آینده‌اش را انتخاب می‌کند.

● شما از اهداف تربیتی دوره اول متوسطه گفتید. آیا ما اکنون زمینه‌های تحقق این اهداف را در معلمانمان داریم؟ معلم باید چه ویژگی‌هایی را کسب کند تا بتواند به این دیدگاه دست یابد؟
در زمینه اجرا باید قابلیت‌ها و امکانات را در نظر گرفت. تربیت کردن امری مشکل است، چرا که مربی فاعل مختار نیست و در مقابل او مربی قرار دارد که قابلیت‌هایی دارد و صاحب اراده است. ما هم باید برنامه‌های تربیتی خود را با لحاظ کردن این قابلیت و اختیار تربیتی طراحی کنیم.

در امر آموزش و پرورش معلم عنصر بسیار مهمی است، پس باید برای آن‌ها برنامه‌های به‌سازی، بازسازی و آموزش ضمن خدمت در ارتباط با محتوا و اهداف برنامه طراحی کنیم. اما از این مهم‌تر، موضوع نحوه جذب نیروی انسانی جدید در آموزش و پرورش است. با توجه به تحول بنیادین در آموزش و پرورش، باید نگاه ما در ارتباط با گزینش، جذب و نگهداشت معلمان تغییر کند. اکنون هم با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأسیس دانشگاه فرهنگیان،

به همین دلیل، من همواره بر سخن مقام معظم رهبری تأکید می‌کنم که باید بند بند سند تحول بنیادین اجرا شود. یعنی به سند چیزهایی اضافه نکنیم، ولو خوب باشد و بار سند را هم افزون نکنیم. از سوی دیگر، باید مراقب باشیم که سند را تحریف و تضعیف نکنیم.

● نظارت نخبگان نیازمند ایجاد یک بستر است. آیا این بستر فراهم است؟

من معتقدم در کنار مؤلفان و برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی، منتقدان را لازم داریم. این موضوع را در سازمان هم اعلام کرده‌ام. ما همه کتاب‌های درسی را برای نقد به «پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی»، «حوزه علمیه» و «گروه‌های بررسی، نقد و تحلیل محتوای استان‌ها» می‌فرستیم.

«گروه‌های بررسی، نقد و تحلیل محتوا» در هر استان، با همراهی گروه‌های آموزشی استان‌ها که معدل علمی و تجربی معلمان هستند و همچنین صاحب‌نظران موضوعی و مدرسان مراکز تربیت معلم، این کتاب‌ها را نقد و به ما منتقل می‌کنند. امسال هم کتاب‌های پایه‌های اول، دوم و ششم ابتدایی را به صورت واگذاری موضوعی به استان‌ها دادیم تا آن‌ها را بررسی و نقد کنند.

اگر سازمان‌های دیگر پیشنهاد دیگری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم، چون معتقدم نقد نقطه قوت است نه نقطه ضعف. البته متأسفانه برخی نقد را با سلیقه‌ها و تمایلات شخصی اشتباه می‌گیرند، در حالی که نقد یعنی سنجیدن نقاط قوت و ضعف، کاستی‌ها و توانمندی‌ها در کنار هم. ما پذیرای چنین نقدی هستیم.

● مهم‌ترین اهداف تربیتی دوره اول متوسطه چیست؟
در برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین، اهداف آموزشی - تربیتی به صورت یکپارچه پیش‌بینی شده‌اند. در واقع، ما در کار آموزش، موضوع تربیت را هم تعقیب می‌کنیم. به عبارت دیگر، نظام آموزشی و همه کتاب‌های درسی ما تربیت‌مآب است. به این معنا که ما «آموزش» و «پرورش» را از همدیگر جدا نمی‌دانیم، به طوری که یک معلم عهده‌دار آموزش و دیگری عهده‌دار پرورش باشد.

انسان موجودی دارای ساحت‌های گوناگون است، بنابراین باید به‌صورت متعادل و متوازن به همه جهات پرداخت. لذا کتاب‌های درسی، کتاب‌های آموزشی محض نیستند. بر این اساس، ما یک سلسله اهداف تربیتی کلی داریم که در بند اول راهبرد کلان سند تحول بنیادین آمده‌اند. برای تعقیب و دستیابی به این اهداف، آن‌ها را با توجه به شرایط سنی، محیطی و حتی جنسیتی تقسیم‌بندی کرده‌ایم که بخشی از آن‌ها به دوره اول متوسطه مربوط است.

در طراحی درس‌های
دوره اول متوسطه
سعی ما این است که
عنوان‌های درسی،
از عنوان‌های موجود
بیشتر نباشند. حتی
ممکن است برخی
دروس را با هم تلفیق
کنیم

زمینه‌های ایجاد این تحول فراهم شده است. به این ترتیب، آموزش‌وپرورش نیروی جدیدی را جذب نمی‌کند، مگر از طریق دانشگاه فرهنگیان. اگر این روند استمرار یابد، شاهد تحول در آموزش‌وپرورش خواهیم بود.

نکته مهم این است که عمده دانشجویانی که در سال ۱۳۹۱ وارد این دانشگاه شدند، از لحاظ هوش و استعداد تحصیلی در سطح بالایی بودند. یعنی برخلاف یک دهه قبل، اکنون برخی از دانشجویان این دانشگاه رتبه‌های دو رقمی کنکورند.

رشته‌هایی هم که در این دانشگاه پیش‌بینی شده‌اند، رشته‌های آموزش هستند. یعنی آموزش شیمی، آموزش فیزیک، آموزش ریاضی، آموزش کار و فناوری و... باید این نکته را یادآور شد که طراحی این رشته‌ها در دانشگاه فرهنگیان باید با نظام درسی ملی منطبق باشد. یعنی طراحی درس یا موضوع تنها بر عهده وزارت علوم نخواهد بود و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و حتی خود دانشگاه فرهنگیان هم باید در این موضوع نقش داشته باشند. به طوری که این رشته، دانشجو را با نحوه تدریس درس‌های گوناگون آشنا کند.

در سال ۱۳۹۱ نزدیک به ۲۰ هزار دانشجو وارد دانشگاه فرهنگیان شده‌اند که این تعداد تا پایان برنامه پنج ساله باید به ۱۰۰ هزار نفر برسد و از آن پس هر سال باید آموزش‌وپرورش ۳۰ درصد خروجی و ۳۰ درصد ورودی داشته باشد. با این برنامه مصوب، در میان مدت، نزدیک به ۳۰۰ هزار نیروی انسانی جدیدالورود جوان خواهیم داشت که معلمی را برگزیده‌اند نه اینکه معلمی بر آن‌ها تحمیل شده باشد. در این دانشگاه که تا دوره دکترا هم برای رشته‌های

آن پیش‌بینی شده است، هر دانشجو بعد از پایان یک دوره (کارشناسی، کارشناسی ارشد و...) به مدرسه می‌رود و به تدریس مشغول خواهد شد. در صورتی که دانشجو بخواهد ادامه تحصیل دهد هم مأمور به تحصیل می‌شود. البته دانشجو در هر رشته‌ای که درس خوانده، تدریس خواهد کرد. مثلاً اگر در رشته آموزش ابتدایی تحصیل کرده باشد، در دوره ابتدایی تدریس خواهد داشت. امیدوارم در سال‌های آینده به مرحله‌ای برسیم که دکترای آموزش ابتدایی در سال اول ابتدایی تدریس کند. اگر به این مرحله برسیم، فضا و محتوای آموزشی تأثیرگذار خواهد بود.

وقتی سخن از محتوای آموزشی به میان می‌آید، ذهن ما به سوی منابع مکتوب می‌رود. آیا برای دوره اول متوسطه فقط کتاب به عنوان منبع آموزشی پیش‌بینی شده است یا در این حوزه تکثر خواهیم داشت؟

ما کتاب را فقط محتوا و منبع آموزشی نمی‌دانیم، به همین دلیل هم در سال‌های اخیر، به جای کتاب آموزشی، موضوع بسته آموزشی را مطرح کرده‌ایم.

در واقع، ما در برنامه درسی ملی شاهد دو چرخش عمده هستیم. یکی تنوع محیط آموزشی، به این معنا که محیط یادگیری تنها به کلاس درس محدود نیست، بلکه به همه مدرسه، محیط اجتماعی و حتی مجازی توسعه می‌یابد و چرخش دوم تنوع رسانه آموزشی است که دیگر تنها به کتاب محدود نخواهد بود.

علاوه بر این‌ها، باید نگاه و رویکرد ما به معلم هم تغییر پیدا کند. براساس تحول بنیادین، معلم دیگر در قامت انتقال‌دهنده مفهوم ظاهر نمی‌شود، بلکه به عنوان راهبر آموزشی، یک پژوهنده و برنامه‌ریز

درس فعالیت خواهد داشت. معلم باید بتواند اسوه باشد و هدف تربیتی را هم در فرایند یاددهی-یادگیری تأمین کند. شاید برخی، رسیدن به این مرحله را آرزو بدانند. من انکار نمی‌کنم که آرزوست، اما برای رسیدن به این آرزو باید تلاش و حرکت کرد.

نمی‌توان گفت که تا سال آینده همه این اهداف محقق می‌شوند، اما باید در این جهت تلاش کرد. البته باید نظارت عمومی، نخبگانی و نظارت رسمی حاکمیتی هم بر اجرا وجود داشته باشد تا سند تحول بنیادین تحریف و تضعیف نشود و چیزی بر آن تحمیل نشود.



● برای درس‌هایی مانند «کار و فناوری» یا «تفکر و حکمت»، علاوه بر کتاب درسی، چه منبع دیگری پیش‌بینی شده است؟

برخی از حوزه‌های یادگیری، خودشان به طور مستقل یک موضوع‌اند و بعضی هم بستر موضوع. مثلاً ادبیات فارسی خود یک موضوع است و در عین حال بستر آموزش درس‌های دیگر هم هست. تفکر و حکمت هم گرچه خود یک موضوع است، اما یک بستر هم هست، یعنی ما باید فکر کردن و پژوهش را بیاموزیم. کار و فناوری هم به همین ترتیب؛ گاه خود موضوع است، اما در جای دیگر بستری برای آموختن دانش‌های دیگر محسوب می‌شود. در پایه ششم ابتدایی که جدیدالتأسیس بود، عناوین و رئوس را تصویب کردیم و اکنون در حال تدوین و برنامه‌ریزی جامع برای دوره اول متوسطه هستیم.

در برنامه درسی ملی، علاوه بر دوره‌های تحصیلی، حوزه‌های یادگیری هم پیش‌بینی شده‌اند. در راهنمای برنامه این حوزه‌ها، اهداف آشکار و نهان هر درس، قلمرو و توالی آن و نیز ارتباطش با دیگر حوزه‌های یادگیری مشخص می‌شود. در طراحی درس‌های دوره اول متوسطه سعی ما این است که عنوان‌های درسی، از عنوان‌های موجود بیشتر نباشند. حتی ممکن است برخی دروس را با هم تلفیق کنیم. البته عنوان‌های جدید هم حتماً خواهیم داشت. مثلاً به جای حرفه‌وفن، کار و فناوری خواهیم داشت. ممکن است تفکر و پژوهش یک عنوان درسی مستقل باشد و یا در کنار مطالعات اجتماعی قرار گیرد. یا ممکن است تاریخ و جغرافیا و مطالعات اجتماعی در یک عنوان درسی تلفیق شوند. شاید هم قرآن و معارف اسلامی را با یکدیگر تلفیق کردیم. البته وجود برخی عنوان‌های درسی مسلم است، مانند ادبیات فارسی، معارف اسلامی، آموزش زبان عربی و انگلیسی، کار و فناوری، تربیت بدنی و سلامت و...

اکنون در شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی برای این کار در دست تدوین است.

● حجم کتاب‌های این دوره هنوز مشخص نیست؟

نه. ساعات درسی مشخص است. وقتی برای درسی چهار ساعت در هفته پیش‌بینی شده، این چهار ساعت بیانگر چگالی و حجم درس است. در دفتر تألیف کتاب‌های درسی آیین‌نامه‌ای وجود دارد که میزان صفحات آموزشی برای هر ساعت درسی را مشخص کرده است.

البته اکنون ایده جدیدی مطرح کرده‌ایم که در دست بررسی است. این ایده به کم شدن تعداد عنوان‌های درسی

در سال‌های تحصیلی مربوط است. به این معنا که دروس مقدماتی و پیش‌نیاز را در سال‌های اول و به صورت متوالی پیش‌بینی کنیم. مثلاً ما اکنون برای زبان انگلیسی دو ساعت در هفته پیش‌بینی کرده‌ایم، در حالی که مجموعه ساعت‌های آموزش آن نزدیک به ۳۰۰ ساعت است. دو ساعت آموزش زبان انگلیسی در هفته، معمولاً باعث فراموشی مطالب در دانش‌آموزان می‌شود. بهتر این است که همه ساعتی را که در دوره دوم متوسطه هم هست به دوره اول منتقل کنیم. یعنی به جای دو ساعت در هفته، شش ساعت در هفته آموزش زبان انگلیسی داشته باشیم. اگر بتوانیم معلمان را به تعداد کافی برای این هدف تأمین کنیم، کارمان مانند آموزشگاه‌های خارج از مدرسه خواهد شد. یعنی آموزش این موضوع، ممارست خواهد داشت و احتمال فراموشی کم خواهد شد. در نتیجه، بعد از پایان سه سال دوره اول متوسطه، دانش‌آموز همه مطالب را به یاد خواهد داشت. در سه سال دوم هم به جای کتاب رسمی درسی می‌توانیم مجله‌های آموزشی این حوزه را تهیه کنیم. در مورد درسی مانند رایانه و درس‌های دیگر هم می‌توانیم چنین کاری انجام دهیم. این درست مانند سنت علمی حوزه‌های علمیه است.

یعنی ادبیات فارسی، سواد فناوری و هنری را بتوانیم در دوره ابتدایی ارائه دهیم و بعد در دوره اول متوسطه تمام کنیم. در این صورت، در سال‌های بعد مطالعات تکرار و تقویت می‌شوند.

البته اگر این روش را اعمال کنیم، باید در سازمان‌دهی نیروی انسانی تجدیدنظر کنیم و معلمان چند مهارتی را در نظر بگیریم.

● در برنامه درسی ملی این پیش‌بینی را داشتید که بیست درصد محتواها را استان‌ها تولید کنند. قبلاً هم تجربه‌هایی در این زمینه داشته‌ایم. برای تولید محتوای دوره اول متوسطه هم این پیش‌بینی شده است؟

برای این کار باید بتوانیم الزامات و پیش‌نیازهایی را در نظر بگیریم. یکی از این الزامات، تدوین راهنمای حوزه‌های یادگیری پویاست. در این صورت می‌توانیم از محتوای تولیدی دیگران با روش‌های گوناگون و متنوع و حتی ناظر به نیازهای منطقه استفاده کنیم. مثلاً ما برای درس آداب و مهارت زندگی در سال اول متوسطه برای دختران و پسران تفاوت قائلیم.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی، به ویژه هویت جنسیتی دانش‌آموزان و رویکرد روستایی و شهری را هم پیش‌بینی کرده است که باید برای آن هم برنامه‌ای داشته باشیم.

کتاب‌های درسی،
کتاب‌های آموزشی
محض نیستند. بر
این اساس، ما یک
سلسله اهداف تربیتی
کلی داریم که در بند
اول راهبرد کلان سند
تحول بنیادین آمده‌اند



تربیت در محیط آموزشی

درس‌هایی از مرحوم آیت‌الله مجتبی تهرانی «ره» درباره تربیت

مریم مختارپور

دهند و آن‌ها را از خواب غفلت بیدار کنند. وقتی که بشر از خواب غفلت بیدار شد و متوجه انسانیت و جنبه الهی خود شد، مأموریت دوم مطرح می‌شود.

دوم: «و یزکیکم»: یعنی انبیا بحث تزکیه را مطرح می‌کنند. حالا که انسان چشم باز کرد و از خواب غفلت بیدار شد، مسئله تربیت و تطهیر نفس مطرح می‌شود. این موضوع به دلیل اهمیت مسئله تربیت نفوس مطرح می‌شود.

سوم: «و یعلمکم الکتاب و الحکمه»: یعنی انبیا هم مأمور به تعلیم انسان‌ها هستند و هم مأمور به تربیت آن‌ها.

تعلیم و تزکیه در روایت

در روایتی از امام علی (ع) آمده است که حضرت خطاب به شخصی فرمود: «یا مومن ان هذا العلم و الادب ثمن نفسک»: ای مؤمن به خدا! آنچه به تو ارزش می‌دهد علم و ادب توست. آنچه که به تو ارزش می‌دهد، تنها «علم» نیست، بلکه در کنارش باید ادب و تربیت هم باشد. «فاجتهد فی تعلمهما»:

پس در هر دو مورد کوشش کن! یعنی این دو (علم و ادب) را نباید از یکدیگر جدا کنی. «فما یزید من علمک و ادبک یزید فی ثمنک و قدرک» (جامع الاخبار، ص ۳۱۰، ح ۸۵۲). حضرت در اینجا بین «میزان علم و ادب شخص» از یک طرف و «قدر و ارزش او» از طرف دیگر موازنه برقرار کرده‌اند.

محیط آموزشی
قوی‌ترین اثر تربیتی
را دارد. حتی از محیط
خانوادگی هم اثرش
بیشتر است

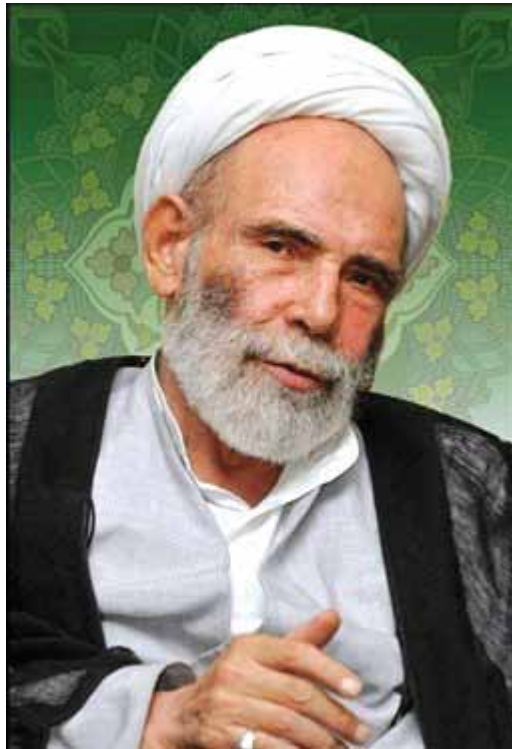
وقتی انسان در محیط آموزشی قرار می‌گیرد، چه بخواهد و چه نخواهد، روحش در ابعاد گوناگون در این محیط شکل می‌گیرد. اگر دقت کنیم، می‌بینیم معلم در کنار بحث آموزش، به انسان مقابل خود طرز رفتار و گفتار را هم آموزش می‌دهد. لذا در معارف اسلامی دو مقوله «تعلیم» و «تربیت» در کنار هم مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر هرگاه مسئله تعلیم و تعلم را مطرح می‌کنند، در کنارش مسئله تربیت را هم می‌آورند. در کلاس درس، چه برای یک نفر باشد چه برای هزار نفر، تعلیم در کنار تزکیه مطرح است. این یک مأموریت الهی است که در هر محیط درسی و تعلیمی، تزکیه، تربیت نفس و خودسازی هم وجود داشته باشد. پس به هیچ وجه جداسازی این دو موضوع صحیح نیست.

تعلیم و تزکیه در قرآن

در آیات متعددی در باب تعلیم و تزکیه مطرح شده است که تزکیه همان تربیت نفس است.

آیه شریفه «کما ارسلنا فیکم رسولا منکم یتلوا علیکم آیاتنا و یزکیکم و یعلمکم الکتاب و الحکمه و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون» (بقره/۱۵۱)، سه مأموریت را برای انبیا مطرح می‌کند:

اول: «یتلوا علیکم آیاتنا»: تلاوت آیات الهی. اولین هدف و وظیفه انبیا این است که به اینای بشر «بیدار باش»



می‌فرمایند: هر قدر به علم و ادب افزوده شود، به ارزش تو افزوده می‌شود. یعنی این دو مورد در کنار هم به انسان ارزش می‌دهند.

آیا می‌شود تعلیم را از تربیت جدا کرد؟ در حالت عادی و به روش معمولی، معلم به شاگرد رشته‌ای از علوم را می‌آموزد. آیا در اینجا می‌توان گفت که معلم فقط به او علم می‌آموزد و از نظر تربیتی، هیچ تأثیری روی او ندارد؟ خیر. حتی اگر به روش معمول هم درس ندهید و از وسایلی مانند پخش صوت، نوار صوتی، فیلم و... هم برای تدریس استفاده کنید، باز هم در آنجا تأثیرگذاری تربیتی وجود دارد و شاگرد از شما روش گفتار را یاد می‌گیرد. تعلیم و تربیت را به هیچ وجه نمی‌توان از یکدیگر جدا کرد. در هیچ محیط آموزشی، نمی‌توانید محیط تربیتی را جدا کنید و بگویید تعلیم هست ولی تربیت نیست. تربیت در روابط گوناگون مطرح است. شاگرد ظاهر معلم را که می‌بیند، خواه‌ناخواه و خودبه‌خود، در ذهنش ثبت

می‌شود و تأثیر می‌پذیرد. معلم می‌گذرد و می‌رود، ولی اثرش را می‌گذارد و از بین نمی‌رود و به طور خواه‌ناخواه تأثیر می‌گذارد. تربیت از مباحثی نیست که در تأثیر آن روی مخاطب اختیار داشته باشی. معلم چه از نظر دیداری و چه از حیث گفتار و اعمال بر دانش‌آموز اثر می‌گذارد؛ یعنی آن فرد ناخودآگاه از او روش می‌گیرد؛ چه معلم بخواهد یا نخواهد و چه شاگرد بخواهد یا نخواهد.

معلم، «الگوی ناخودآگاه» شاگرد

یکی از محیط‌هایی که روی انسان از نظر سازندگی و ساختار روحی اثر قوی دارد، محیط آموزشی است؛ آموزش چه از نظر اعتقادی و اخلاقی و چه از نظر جنبه‌های نفسانی بر انسان تأثیرگذار است. معلم با هیكل خود، با کلام خود و با تمام رفتارهای خود شاگرد را تربیت می‌کند. یکی از مصادیق رفتار، گفتار است. کار گوش شنوایی و کار چشم بینایی است. گفتار عملی زبان است. هر یک از اعضای بدن عملی متناسب با خود دارد که معلم با تمام آن‌ها الگوی شاگرد است و او را تربیت می‌کند.

امام صادق (ع) در باب تربیت فرزند می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین و یودب سبعا و الزمه نفسک سبع

کسانی که مسئول امور آموزشی هستند، اگر صحیح عمل کنند، «خدمت» بزرگی کرده‌اند و اگر اشتباه عمل کنند، آنگاه «جنایت» بزرگی مرتکب شده‌اند

سنین» (الکافی، ج ۶، ص ۴۸): فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند. بعد از هفت سال ادبش کن! اینجاست که تربیت می‌شود. یعنی ۱۴ سالگی‌اش که تمام شد، از ۱۵ سالگی تا ۲۱ سالگی او را از خود جدا نکن. هفت سال هم حواست جمع باشد و همراه خود باشد. مراقبتش کن که از دستت نرود. ملازمش باش. یعنی از خاطر جمعی خبری نیست!

محیط آموزشی قوی‌ترین اثر تربیتی

را دارد. حتی از محیط خانوادگی هم اثرش بیشتر است. در محیط خانوادگی، رابطه بین فرزند و پدر و مادر، رابطه‌ای محبتی است و جنبه‌های مادی و سرپرستی دارد. اما در محیط آموزشی، چیزی بیش از رابطه محبتی وجود دارد و آن رابطه «برتری علمی» است. وقتی که این احساس با چاشنی محبت مخلوط می‌شود، خیلی مؤثر می‌افتد. همین که دانش‌آموز می‌گوید: «معلم بهتر از من می‌فهمد»، کافی است که رفتارها، خلقیات و اعتقادات را هم از او سرمشق بگیرد.

آری، کسانی که مسئول امور آموزشی هستند، اگر صحیح عمل کنند، «خدمت» بزرگی کرده‌اند و اگر اشتباه عمل کنند، آنگاه «جنایت» بزرگی مرتکب شده‌اند.

هونتندمان طبیعت گرا و موسیقی گرا

شغل هایی را انتخاب می کنند که آسیب کمتری به طبیعت وارد کنند.



از کودکی تفاوت موسیقی سالم را از صداهای ناموزون تشفیص می دهند.

لا لا لا لا لا



سنباب لا لا
گنجیش لا لا
آمد دوباره
موتاب لا لا

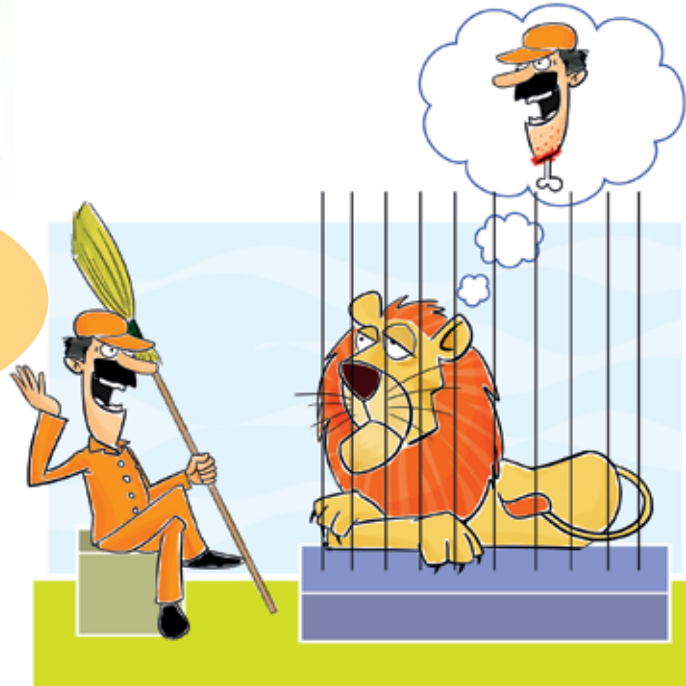
از زندگی در دل طبیعت
لذت می برند.



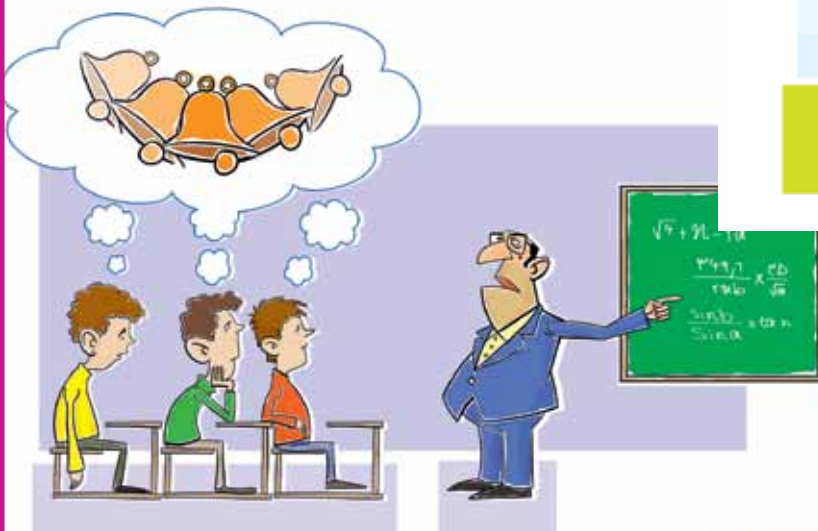


همه جلوه‌های طبیعت برایشان
جذاب و دوست‌داشتنی است.

از صحبت کردن با حیوانات و گیاهان
لذت می‌برند.



معمولاً در تنهایی آواز می‌فوانند.



در کل به صدا حساس هستند؛ مخصوصاً به
صداهاى موم.





پرسش

هیوا علیزاده
دبیر علوم تجربی
منطقه سه تهران

قابل احترام است

او

در نوشته پیشین گفتیم که قصد ما شنیدن دانش آموزانمان است تا بتوانیم راه یادگیری را برای آن‌ها لذت بخش تر کنیم. وقتی دانش آموز در مسیر یادگیری به کشف مفاهیم می‌رسد، یکی از لذت بخش ترین لحظات در امر یادگیری را تجربه می‌کند. حال می‌خواهیم دانش آموز را در راه کشف مفاهیم برای رفع پرسش‌هایش راهنمایی کنیم. در شروع لازم است برای پرسش دانش آموز احترام قائل باشیم.

یک نمونه فعالیت عملی مختصات در ریاضی

هنگامی که دانش آموزان در دوره راهنمایی با مبحث مختصات و بردار آشنا می‌شوند، معمولاً با چند سؤال مواجه هستند:

۱. مفهوم مختصات چیست؟

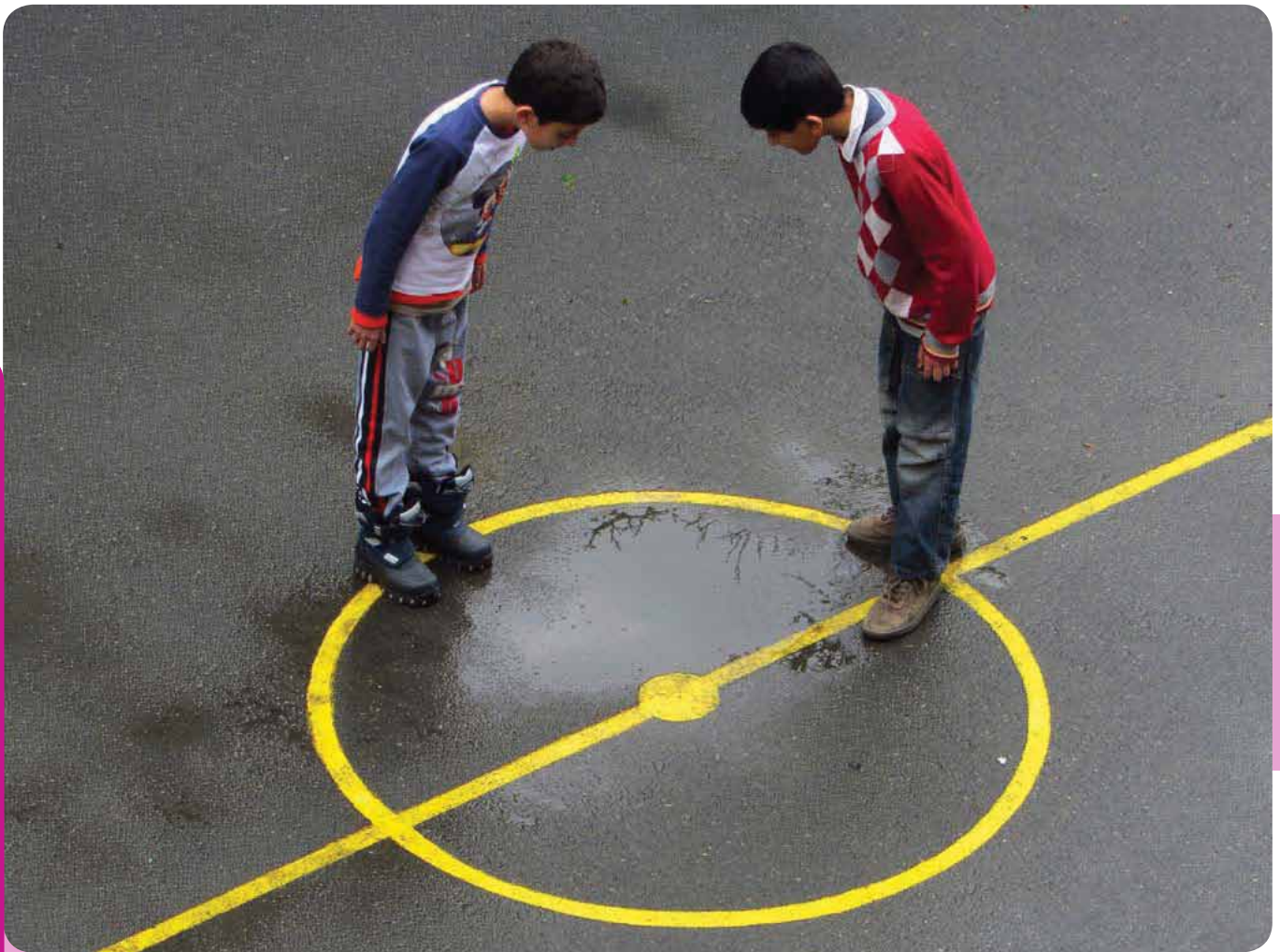
۲. این مفهوم به چه کار می‌آید؟

اگر دانش آموز بدون برطرف شدن این سؤالات وارد دوره متوسطه شود در فهم بسیاری مسائل همچون معادلات خط و کاربرد بردار در فیزیک دچار مشکل خواهد شد.

چه می‌توان انجام داد؟

در مرحله اول، معلم می‌تواند تدریس مختصات را در جهتی پیش ببرد که دانش آموز این اعتماد به نفس را داشته باشد که می‌تواند پرسش خود را مطرح کند. سپس باید با شنیدن پرسش‌های دانش آموزان، فعالیتی را در نظر گرفت که دانش آموز به ضرورت وجود «مبدأ»، «جهت» و «واحد» پی ببرد.

از یک دانش آموز بخواهید در نقطه‌ای که شما مشخص کرده‌اید بایستد. از سایر دانش آموزان بخواهید هر کدام به تنهایی مکان دانش آموز مورد نظر (دانش آموز الف) را بیابند. در همین جا، برای دانش آموزان این سؤال مطرح می‌شود



فرد پ: دو موزاییک

معلم: حالا چی؟

فرد پ: بیچ به راست، سه
موزاییک برو به جلو
این کار را ادامه دهید تا به مقصد

برسید.

از دانش‌آموزان بپرسید کدام

کلمات به جهت و کدام کلمات به واحد

مربوط‌اند. تأکید کنید که مفهومی‌های جلو،

چپ و... جهت هستند و موزاییک واحد است.

سپس از دانش‌آموز دیگری (دانش‌آموز ت) بخواهید با

گچ خطی روی زمین رسم کند، به طوری که دانش‌آموز

ب را به دانش‌آموز الف وصل کند و پیکانی در انتهای

خط قرار دهد. اینجاست که دانش‌آموز به مفهوم بردار

می‌رسد؛ پاره‌خطی جهت‌دار. پس از آن معلم خط‌های

افقی و عمودی مربوط به مختصات بردار را رسم می‌کند

و مختصات بردار را با توجه به واحد موزاییک، با گچ روی

زمین می‌نویسد و از علامت مثبت به عنوان نشانه‌ای در

که مکان فرد مورد نظر را نسبت به کجا بیابند. این سؤال
موقعیتی فوق‌العاده است، زیرا ضرورت وجود مبدأ در بحث
مختصات را نشان می‌دهد. از دانش‌آموزان بخواهید برای
رفع سؤال راه‌حل پیشنهاد کنند. به احتمال زیاد جواب‌های
زیادی خواهید شنید:

نسبت به گوشه کلاس؛ نسبت به تخته؛ نسبت به
یک دانش‌آموز یا معلم و...

پیشنهادهای را حتماً روی تخته به نام دانش‌آموز

ارائه‌دهنده ثبت کنید. از دانش‌آموز دیگری (دانش‌آموز ب)

بخواهید در مکانی که شما مشخص کرده‌اید قرار گیرد.

حال از بقیه بخواهید مکان دانش‌آموز الف را نسبت به

دانش‌آموز ب پیدا کنند. تأکید کنید فرد ب مبدأ انتخاب

شود. حال خود در کنار دانش‌آموز ب قرار بگیرید و از

دانش‌آموز دیگری (دانش‌آموز پ) بخواهید که با دادن

نشانی، شما را به مکان فرد الف برساند. تأکید کنید که

فقط هر آنچه او بگوید انجام می‌دهید. برای مثال فرد پ

می‌گوید: بروید جلو

معلم: چقدر به جلو؟



مناسب است دانش آموزان به جمع آوری مطالب در این زمینه و ارائه آن‌ها در کلاس بپردازند، زیرا این کار از موارد کاربرد مختصات است.

پس از چنین فعالیت‌هایی، معلم ریاضی می‌تواند مطمئن باشد که درصد بالایی از دانش آموزان کلاسش هرگز مفهوم مختصات را فراموش نخواهند کرد. دانش آموز ما باید فراگیرد که ریاضی ابزار است. در آموزش عملی حتماً می‌توان به چنین هدفی رسید.



جهت راست و بالا و از علامت منفی به عنوان نشانه‌ای در جهت چپ و منفی استفاده می‌کند. بعد هم نحوه استفاده را به دانش آموزان توضیح می‌دهد. دانش آموزان مشاهده می‌کنند که هر بردار روی سطح زمین را می‌توان با دو مختصه، یکی افقی و دیگری عمودی، مشخص کرد که این همان مفهوم مختصات روی سطح است. همین کار را با گروه‌بندی دانش آموزان تکرار کنید و خودتان هر گروه را بررسی کنید تا مختصه را درست پیدا کند. از دانش آموزان بخواهید واحدهای دیگری پیشنهاد کنند. مطمئناً آن‌ها به قدم، وجب و متر اشاره خواهند کرد. بگویید در گروه‌ها از این واحدها استفاده کنند.

جلسه بعد کلاس را با فعالیت پیدا کردن مختصات شهرها یا کشورها روی نقشه جغرافیا ادامه دهید. در این فعالیت، دانش آموزان را به منظور استفاده واحد یکسان برای ایجاد ارتباط بین گروه‌های متفاوت هدایت کنید. تا جایی که امکان دارد، شما به عنوان معلم ضرورت‌ها را بیان نکنید، بلکه دانش آموزان را در کشف ضرورت‌ها هدایت کنید.

اکنون که دانش آموز شما با مفهوم «مبدأ»، «جهت» و «واحد» آشنا شده است، در جلسه سوم (مانده به پیشرفت کلاس) آن‌ها را گروه‌بندی کنید و یک پروژه با عنوان «نقشه گنج» به آن‌ها محول کنید. به این روش که هر گروه شیء را در محدوده‌ای که شما مشخص کرده‌اید مخفی کند و سپس برای یافتن آن نقشه‌ای تنظیم کند و این نقشه را در اختیار گروه دیگر قرار دهد. هر گروه باید با نقشه‌ای که در دست دارد، شیء مخفی شده (گنج) را بیابد.

همچنین، به عنوان فعالیت‌های مطالعاتی، پرسش‌هایی طرح کند؛ مثل:

- برج کنترل چه طور هواپیما را هدایت می‌کند؟
- برای شلیک توپ هدف چه طور مشخص می‌شود؟



انتقال تجربه ها در کلاس های آموزشی

آموزش معلمان در کشور فرانسه

دکتر نیره شاه محمدی

- سامان بخشیدن به فعالیت های فوق برنامه مدرسه ها؛
- انطباق معلمان با شرایط و تصمیم گیری های جدید؛
- به روز آوری دانش و اطلاعات، ایجاد فرصت ها و زمینه های مناسب رشد به منظور ارتقای معلمان به پست های بالاتر چون معلم راهنما، مدیر و... و ایجاد زمینه لازم برای انطباق پذیری.

روش های اجرای دوره های آموزشی

در کشور فرانسه برای به روز رسانی مداوم دانش، ارتقای حرفه ای و انطباق معلمان با یافته های جدید و بهسازی روش های تدریس، از شیوه های آموزشی متنوعی استفاده می شود که برخی از آن ها به این شرح اند:
* شبکه های معلمان: شبکه

بین ۱۶ تا ۲۰ هفته به طول می انجامند، بیشتر بر انجام کارهای عملی تأکید دارند و اهداف زیر را دنبال می کنند:
- انطباق معلمان، مدیران و بازرسان با نوآوری های آموزشی؛
- افزایش معلومات، مهارت ها و کارایی معلمان؛
- در جریان تازه های علمی و فنی قرار دادن کادر آموزشی؛
- بهبود کیفیت تدریس معلمان؛
- قرار دادن معلمان در جریان آخرین تحولات برنامه های آموزشی با تازه های علمی و فنی؛
- ایجاد تحول در زمینه روش ها و برنامه ریزی درسی؛
- قادر ساختن معلمان به یادگیری از یکدیگر؛
- توانا ساختن معلمان به حل مسائل گوناگون ناشی از فرایند آموزشی؛

نقش معلم در کشور فرانسه بسیار مهم است و آموزش او عنصری بسیار مهم و کلیدی برای تحقق اهداف و برنامه های نظام آموزشی محسوب می شود. آموزش های ضمن خدمت معلمان به منظور بالا بردن سطح دانش و مهارت شغلی، ایجاد روحیه مطالعه و پژوهشگری و نوآوری، به روز درآوردن دانش و اطلاعات، و ایجاد فرصت ها و زمینه های مناسب رشد معلمان برگزار می شود. معلمان شاغل هر ۱۰ سال یک بار برای گذراندن یک دوره سه ماهه کارآموزی به دانش سراها برمی گردند تا از یک طرف زمینه انتقال تجارب آموزنده آنان به دیگر همکارانشان فراهم آید و از طرف دیگر، با کسب اطلاعات و مهارت های جدید دانش گذشته خود را تکمیل کنند و پس از اتمام دوره با توشه ای از تجربیات و اطلاعات جدید به خدمت بازگردند. این آموزش ها که

حرفه‌ای: معلمان تازه کار هر ماه یک بار در یکی از مدارس جمع می‌شوند و یکی از معلمان موظف است به آن‌ها درس بدهد. پس از اتمام کلاس درس معلمان به تبادُل نظر می‌پردازند و نظر خود را درباره تدریس انجام شده اعلام می‌کنند. با استفاده از این روش تمامی معلمان، خصوصاً معلمان تازه کار می‌توانند از راهنمایی‌های معلمان باتجربه و متخصص بهره‌مند شوند و تحت نظارت این معلمان و ناظران تعلیماتی، امکان ارزیابی کار خود را به دست آورند.

* ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌های آموزشی و پژوهشی: برقراری ارتباط با سایر سازمان‌ها و ارگان‌های آموزشی، شبکه‌های ارتباطی، کتابخانه‌های مدرن، روزنامه‌ها و مؤسسات آموزشی نه‌تنها موجب افزایش رغبت و انگیزه در معلمان می‌شود، بلکه بینش آن‌ها را در زمینه‌های خاصی ارتقا می‌دهد.

* برگزاری کارگاه‌های روش

تدریس در سطوح متفاوتی چون مدرسه، ناحیه، استان و کشور: مراکز آموزش معلمان در سطوح ملی و محلی به برگزاری کارگاه‌های آموزشی روش‌شناسی تدریس می‌پردازند، مکان‌هایی مانند موزه‌ها، نگارخانه‌های هنر یا کتابخانه‌های عمومی، ابتکار عمل‌های فراوانی را در اختیار معلمان قرار می‌دهند. معلمان از طریق این کارگاه‌ها، در فاصله ۱۰ ساله کارآموزی به طور دائم با نتایج آموزشی در ارتباط قرار می‌گیرند و دانش خود را روزآمد نگه می‌دارند.

* استفاده از وسایل دیداری و شنیداری و برنامه‌های آموزشی رسانه‌های گروهی مانند رادیو و تلویزیون

ارائه شده توسط گروهی از معلمان، با هدف ایجاد روحیه مطالعه، پژوهشگری و نوآوری در آن‌ها، حول موضوعاتی چون مسائل زیست محیطی، آموزش ریاضی، حوزه علوم و... مورد حمایت قرار می‌گیرند.

* آموزش برخط: از سال ۱۹۹۹، ۵۰۰ میلیون یورو برای تجهیز مدارس و ارائه آموزش به معلمان به شیوه مجازی اختصاص داده شده است تا دوره‌های آموزشی آن‌ها با بهره‌گیری از «فاوا» و به صورت برخط برای آنان برگزار شود.

* برگزاری دوره‌های آموزشی از طریق تلویزیون و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای: بیشتر از ۳۵۰۰ مدرسه در فرانسه به تجهیزات ماهواره‌ای مجهزند و هر معلم می‌تواند از طریق آن آموزش‌های مورد نیاز خود را دریافت کند

* مشاوره با معلمان راهنما به منظور دریافت کمک و راهنمایی

معلمان با همکاری انجمن‌های حرفه‌ای و مدیران مدرسه‌ها به انجام فعالیت‌های گروهی گوناگونی همچون تدوین برنامه درسی می‌پردازند که به توسعه حرفه‌ای معلمان و تبادُل تجربه میان آن‌ها کمک می‌کند.

* اجرای دوره‌های آموزشی منتهی به مدرک فوق لیسانس با همکاری دانشگاه‌ها: طول این دوره‌ها بین ۸۰ تا ۱۰۰ ساعت است و ۱۵ دانشگاه آن‌ها را برگزار می‌کنند. اغلب این دوره‌ها در تعطیلات تابستانی برگزار می‌شوند.

* اعطای کمک‌های مالی برای اجرای طرح‌های پژوهشی: در این روش هر معلم می‌تواند یک طرح پژوهشی ارائه دهد. طرح‌هایی که مورد پذیرش قرار گیرند، منابع مالی مورد نیاز آن‌ها در اختیار مجری قرار خواهد گرفت.

* پروژه‌های تحقیقی مشارکتی: در این روش نیز طرح‌های تحقیقاتی

معلمان شاغل هر ۱۰ سال یک بار برای گذراندن یک دوره سه ماهه کارآموزی به دانش‌سراها برمی‌گردند تا از یک طرف زمینه انتقال تجارب آموزنده آنان به دیگر همکارانشان فراهم آید و از طرف دیگر، با کسب اطلاعات و مهارت‌های جدید دانش گذشته خود را تکمیل کنند و پس از اتمام دوره با توشه‌ای از تجربیات و اطلاعات جدید به خدمت بازگردند



منابع

1. Ministry of Education, Professional Development for Teachers: the new scenario, France, 2009
2. COMENIUS Programme, (2009), "In-service Training Opportunities for Primary Teachers", Unesco
3. www.aftabir.com/articles/view/science_education/education_training



در پایان دوره آموزشی به شرکت کنندگان گواهی نامه آموزشی اعطا می شود. از مزایای این دوره آن است که در انتهای دوره معلمان به تشکیل شبکه های اجتماعی خاص معلمان دست می زنند.

معلمان تازه کار هر ماه یک بار در یکی از مدارس جمع می شوند و یکی از معلمان موظف است به آن ها درس بدهد. پس از اتمام کلاس درس معلمان به تبادل نظر می پردازند و نظر خود را درباره تدریس انجام شده اعلام می کنند

* شرکت در کنفرانس ها و سمینارها
* استفاده از نشریه ها و مجله ها
برای آموزش های مداوم و غیر رسمی معلمان
* بهره گیری از گروه های پژوهشی مستقر در مدرسه: این گروه ها معلمان را در جریان آخرین تحولات برنامه های آموزشی و رسانه های دیداری و شنیداری قرار می دهند.

دوره های آموزشی کمیونس
از سال ۲۰۰۰، علاوه بر دوره های آموزشی ضمن خدمت مرسوم معلمان، دوره های آموزشی خاصی با عنوان «کمیونس» با همکاری «یونسکو» برای معلمان برگزار می شود. هدف از برگزاری این دوره ها ارتقای مهارت های استدلالی، به روز کردن مهارت های تدریس، و تبادل عقاید و تجربه ها به منظور دستیابی به تجربیات عملی مناسب برای کلاس درس است. این دوره های آموزشی در فضایی آرام و دوستانه به منظور پرورش اعتماد به نفس فراگیرندگان برای آموزش و تدریس اجرا می شوند. از دیگر اهداف این دوره آموزشی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تقویت توانایی های معلمان در زمینه استفاده از انواع روش تدریس، مانند روش تدریس مبتنی بر بازی؛
- تجهیز فراگیرندگان به مواد ایده های نوین برای تدریس؛
- تقویت شایستگی ها و عملکرد حرفه ای مخاطبان؛
- افزایش توانایی فراگیرندگان در استفاده از اینترنت.

جنبه های انگیزشی دوره های آموزشی

چون لازمه استقبال و شرکت مشتاقانه معلمان در دوره های آموزشی کوتاه مدت ضمن خدمت، احساس نیاز و انگیزش است. لذا دست اندرکاران آموزش و پرورش تلاش می کنند که به معلمان نسبت به کمبودهای خود در زمینه دانش، مهارت و رفتار مورد نیاز آگاهی های لازم را بدهند. البته جنبه های مثبت رفتاری آنان نیز مورد تشویق و تقویت قرار می گیرد. پاداش ها و آثار مثبت مترتب بر این گواهی ها به شرح زیرند:

- استفاده برای ارتقای شغلی و حرفه ای؛
- گرفتن امتیاز برای کسب مقام هایی چون معلم یا مدیر نمونه؛
- تأثیر در نمره ارزشیابی سالانه



مورچه شناسی

پیام‌های آسمانی، پایه دوم راهنمایی

راضیه صادق بزرگی - زینب سادات هاشمی
دبیران مدرسه منطقه یک تهران

روش تدریس

- آماده‌سازی: یک

«اتاق مباحثه» در سایت یا مودل

مدرسه توسط معلم راه‌اندازی می‌شود. از

بچه‌ها خواسته می‌شود در روز و ساعت خاصی

(یک روز قبل از اجرای طرح درس) در آنجا حضور

یابند و تجربیات یا دانسته‌های خود را درباره مورچه به

اشتراک بگذارند. در صورت امکان از معلم علوم یا یک

جانورشناس هم برای حضور در اتاق مباحثه دعوت می‌شود.

- مرور درس گذشته: در شروع کلاس، معلم پس از سلام

و احوال‌پرسی به مباحث مطرح شده دیروز در اتاق بحث می‌پردازد

و از آن‌ها یک جمع‌بندی ارائه می‌دهد.

- مراجعه به سایت‌ها: بچه‌ها به گروه‌های چهار نفری تقسیم

می‌شوند. یک رایانه متصل به شبکه در اختیار هر گروه قرار می‌گیرد تا

به مطالعه مطالب موجود در وبگاه‌های زیر بپردازند:

www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=98197

www.rasekhoon.net/article/show-61389.aspx

[www.hawzah.net/fa/magart.html?MagazineID=5248
&MagazineNumberID=5312&MagazineArticleID=49760](http://www.hawzah.net/fa/magart.html?MagazineID=5248&MagazineNumberID=5312&MagazineArticleID=49760)

www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=24828

- از هر گروه یک نفر به مدت ۱۰ دقیقه در مورد مطالب

جدیدی که آموخته‌اند، صحبت می‌کند. صحبت‌های بچه‌ها

با تأکید بر هدف‌دار بودن خلقت مورچه و وجود خالق دانا

جمع‌بندی می‌شود.

- یک ظرف شیشه‌ای دردار حاوی چند مورچه،

همراه با یک ذره‌بین به بچه‌ها داده می‌شود. از

آن‌ها خواسته می‌شود در رفتارهای مورچه

دقیق شوند و مشاهدات جالبی را که به

آن برخورد می‌کنند، بنویسند. در

مدت زمان مشاهده، معلم

موضوع: خداشناسی

اهداف: ایجاد باور به غیب از

طریق توجه به شگفتی‌های خلقت

و هدف‌دار بودن آن.

(با بررسی نظم و هماهنگی موجود

در جهان خلقت و بدن انسان، متوجه

علم و حکمت خدا می‌شویم.)

رسانه‌ها و ابزارهای آموزشی:

رایانه متصل به شبکه، سی‌دی فیلم،

ذره‌بین و مورچه.





معرفی کتاب

۱. نقش اندام حیوانات در طراحی ابزارها. ترجمه مجید عمیق. انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۷۸.
۲. پدیده‌ها و شگفتی‌های زندگی جانوران. ترجمه حسین الوندی. انتشارات مدرسه. ۱۳۷۴.

بین میزها حرکت می‌کند و

توجه بچه‌ها را به شگفتی‌هایی جلب

می‌کند که در ظاهر ممکن است عادی به

نظر بیایند. مشاهدات بچه‌ها جمع‌بندی می‌شود.

● فایل صوتی خطبه ۱۸۵ از سخنان امام علی (ع)

در «تهج البلاغه» که به توصیف بدن مورچه پرداخته است،

پخش می‌شود. این متن که به توصیف شگفتی‌های خلقت

مورچه می‌پردازد، انسان را به تفکر در خلقت این موجود وامی‌دارد تا

از این طریق به هدف‌داری آفرینش پی ببرد.

● در پایان کلاس بخش‌هایی از فیلم «امپراتوری مورچه‌های

بیابان» نمایش داده می‌شود.

توضیحات

قرآن کریم برای شناخت خداوند از شیوه‌های متفاوتی استفاده کرده است.

از جمله با توصیف پدیده‌ها و شگفتی‌های آفرینش به خدا می‌رسد و مردم را

به تفکر، تدبیر و بصیرت در مورد این پدیده‌ها دعوت می‌کند. حدود ۱۰۰ آیه از

قرآن، انسان را به مشاهده و تعقل درباره خلقت موجودات دعوت می‌کنند که

مردم ببینند و فکر کنند؛ مانند:

«فلا ينظرون الى الابل كيف خلقت»: آیا نگاه

نمی‌کنند به شتر که چگونه خلق شده است؟!

فعالیت خارج از کلاس

تهیه فیلم با موضوع: «دوباره به

پدیده‌های اطرافمان خوب نگاه کنیم»

ملاک‌های تولید فیلم

– زمان فیلم حداکثر ۱۵ دقیقه باشد.

– برای فیلم اسم مناسب گذاشته شود.

– فیلم تیتراژ داشته باشد.

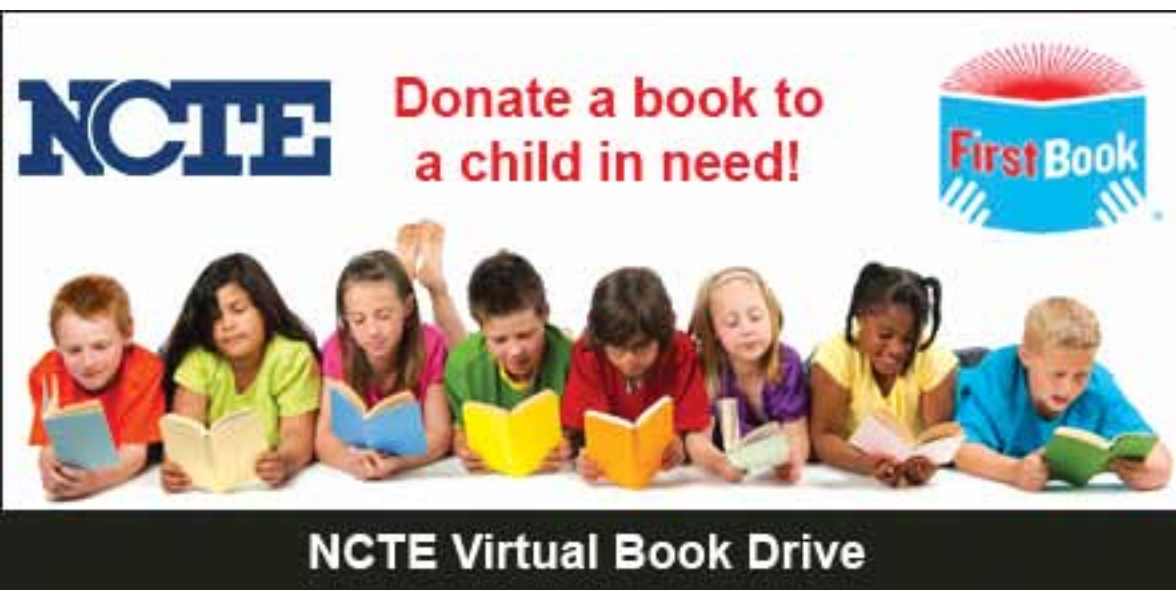
– فیلم صداگذاری شده باشد.

– موضوع فیلم هدفمند باشد.



پی‌نوشت

1.Chat Room



مجلات رایگان برای معلمان

معصومه خیرآبادی

CHILDHOODS TODAY

به عنوان آخرین مطلب از سری مطالب معرفی مجلات الکترونیکی و وبگاه‌های آموزشی جهان، در این شماره نیز نمونه‌های دیگری بررسی و معرفی می‌شوند.

● معلم آنلاین^۱: نشریه ملی اتحادیه معلمان انگلستان است که در ۵۲ صفحه منتشر می‌شود. این مجله که اخبار اتحادیه، نظرات و دیدگاه‌های اعضا، پرسش و پاسخ، حل مسئله و پیشنهادهای برای بهبود روش‌های تدریس را دربردارد، از طریق ایمیل برای ۳۳۰ هزار عضو این اتحادیه ارسال می‌شود. مطالعه مطالب متنوع معلم آنلاین، برای افرادی که در زمینه آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند سودمند است. آرشیو و آخرین نسخه این مجله از وبگاه اتحادیه معلمان انگلستان به نشانی زیر قابل دریافت است:

teachers.org.uk

● دوران کودکی امروز^۲: مجله‌ای الکترونیکی که اولین شماره آن در سال ۲۰۰۷م منتشر شد. بنیان‌گذار این مجله، پروفیسور آدریان ال. جیمز^۳ و مرکز مطالعات کودکان و جوانان دانشگاه شفیلد^۴ انگلستان ناشر آن است. هم‌اکنون شبکه‌های دانشگاهی سراسر جهان این نشریه الکترونیکی را حمایت می‌کنند. هدف از تهیه مجله، ایجاد چارچوبی بین‌المللی برای چاپ مقالات دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با آموزش کودکان است. وبسایت این مجله ۲۰۰ هزار بازدیدکننده از سراسر جهان دارد و مجله که سالانه دو شماره از آن منتشر می‌شود، به صورت الکترونیکی روی وبگاه زیر برای همه علاقه‌مندان قابل دسترسی است:

childhoodstoday.org



teacher | librarian

THE JOURNAL FOR SCHOOL LIBRARY PROFESSIONALS

Journal of Online Learning and Teaching



Leading the Way
For School Administrators
On Your Time and Your Budget

بی‌نوشت

1. The teacher online
2. Childhoods Today
3. Professor Adrian L. James
4. Scheffield
5. Journal of Online Learning and Teaching
6. International Journal of Special Education
7. ATA Magazine
8. Alberta Teacher's Association
9. National Council of Teachers of English (NCTE)
10. Voices from the Middle
11. Inside the School
12. Smart Classroom Management
13. Michel Linsin
14. Dream Classroom
15. Learning First



● مجله آنلاین یادگیری و آموزش^۵: هدف از انتشار این مجله الکترونیکی استفاده از فناوری در آموزش و یادگیری است. مجموعه مقالات این مجله روی وبگاه زیر قابل مشاهده است:

jolt.merlot.org

● مجله بین‌المللی آموزش استثنایی^۶: این مجله الکترونیکی از سال ۲۰۰۲ برای آموزش کودکان دارای نیازهای ویژه منتشر می‌شود. آرشیو و آخرین نسخه مجله روی وبگاه زیر قابل دسترسی است:

internationaljournalofspecialeducation.com

● مجله ای. تی. ای^۷: این فصل‌نامه را «انجمن معلمان آلبرتا»^۸ کانادا با شمارگان ۴۲۱۰۰ نسخه چاپ می‌کند. محتوای مجله حاوی سرمقاله، مقالات و نظرات معلمان درباره شغل معلمی است. آرشیو و آخرین نسخه مجله روی وبگاه زیر قابل دسترسی است:

teachers.ab.ca

● مجله الکترونیکی کتابداران: این مجله مخصوص کتابداران مدارس و در ۷۶ صفحه به صورت رایگان قابل دسترسی است. در این مجله مطالبی چون: آنچه کتابداران باید بدانند، بازی در کتابخانه، بهبود خواندن، کتابخانه مجازی، داستان‌های تصویری، جست‌وجو در وب و کتاب‌های تصویری به چاپ می‌رسد. teacherlibrarian.com

● وبگاه شورای ملی معلمان زبان انگلیسی^۹: این سایت ویژه معلمان زبان انگلیسی، در تمامی سطوح از ابتدایی تا دانشگاه، است. مجموعه‌ای از مجلات آموزش زبان روی این سایت معرفی می‌شوند که «صداهایی از بین راه»^{۱۰} یکی از آن‌هاست. این مجله برای معلمان زبان سطح راهنمایی تحصیلی منتشر می‌شود و نسخه آنلاین آن روی سایت شورای ملی معلمان زبان انگلیسی به وبگاه زیر قرار می‌گیرد:

ncte.org

● در مدرسه^{۱۱}: این وبگاه آموزشی، منابع و راهبردهای آموزشی را به صورت آنلاین در اختیار مدیران و معلمان قرار می‌دهد. مطالب آن شامل مقاله، گزارش، سمینار و مشاوره‌هایی در قالب سی‌دی است که در وبگاه زیر قابل مشاهده هستند:

insidetheschool.com

● مدیریت کلاس درس هوشمند^{۱۲}: مدیر و کارشناس این سایت، مایکل لینسین^{۱۳}، مجموعه‌ای از مقالات و راه‌حل‌های آموزشی را به معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی ارائه می‌کند. لینسین کتابی با عنوان «کلاس رویایی»^{۱۴} دارد که در آن به مسائل مربوط به کلاس درس پرداخته است. نظرات این کارشناس آموزشی در وبگاه زیر قابل دسترسی هستند:

smartclassroommanagement.com

● یادگیری ابتدایی^{۱۵}: این وبگاه با مشارکت ۱۶ انجمن آموزشی فعالیت می‌کند و براساس تحقیقات معتبر، نمونه‌هایی از تجربیات موفق و فعالیت‌ها را برای بهبود مستمر وضعیت آموزش و پرورش عمومی در ایالات متحده آمریکا در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. بیش از ۱۰ میلیون عضو دارد و به بهبود یادگیری دانش‌آموزان در مدارس دولتی این کشور اختصاص داده شده است. نشانی وبگاه: learningfirst.org



پیوند مفاهیم علوم انسانی و درس شیرین ریاضی

۱۶ مهر است و ساعت ۷ صبح. وارد مدرسه می‌شوم. آقای معینی، مدیر مدرسه، به استقبال می‌آید و مرا به دفتر خود راهنمایی می‌کند.

در گفت‌وگویی کوتاه، متوجه حمایت کامل ایشان از شیوه‌های مفهومی و کاربردی در کلاس ریاضی و مشتاق بازدید از این کلاس می‌شوم.

وارد کلاس ریاضی دوم راهنمایی می‌شوم. دبیر کلاس، آقای محمد کاشانچی، و دانش‌آموزانش استقبال گرمی می‌کنند. محیط کلاس ریاضی در این مدرسه مفروش است و دانش‌آموزان قبل از ورود به کلاس، کفش‌های خود را درمی‌آورند. صندلی‌هایی دور میزها قرار دارند که امکان کار گروهی را آسان می‌کنند.

معمولاً از نگاه دانش‌آموزان، مفاهیم ریاضی خشک و منجمدند، هیچ کجا کاربرد ندارند و فقط برای اذیت کردن به وجود آمده‌اند؛ به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که توانایی کمتری در این زمینه دارند و از سر اجبار باید این درس را فراگیرند.

در صورتی که در واقع، علم ریاضی به دلیل نیاز مفاهیم کاملاً کاربردی و انسانی به وجود آمده است. این هنر معلم است که با تعریف فعالیت‌های کاربردی، این ارتباط را به دانش‌آموزان نشان دهد و با به کارگیری مثال‌های جالب و قابل فهم برای همه سطوح، کلاس ریاضی را جذاب و شیرین کند.

باخبر شدیم که یک معلم خوش ذوق در کلاس خود از این شیوه استفاده می‌کند. بر سر کلاس ایشان حاضر شدیم تا گزارشی ویژه از این کلاس جذاب تقدیم شما کنیم. با ما همراه شوید:



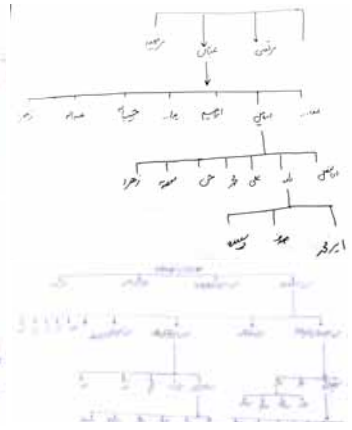
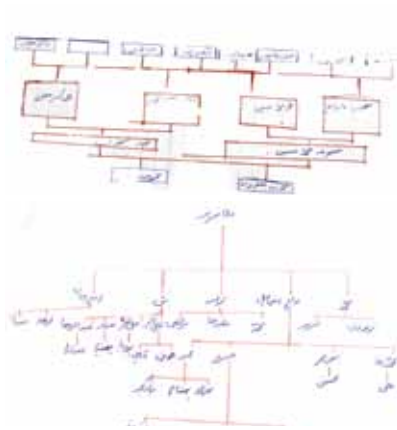
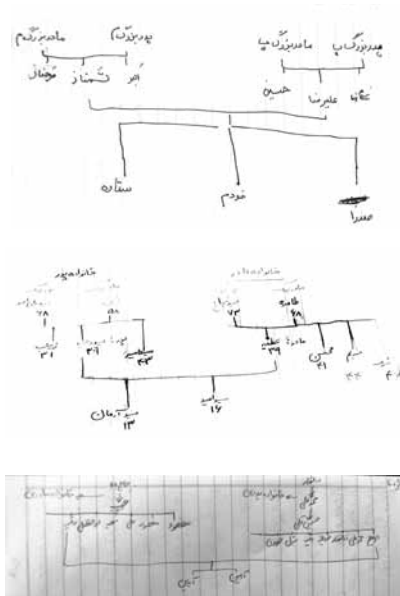
موضوع درس؟

دانش‌آموزی پای تخته در حال کشیدن نموداری از اسامی است. موضوع را جویا می‌شوم: مبحث مجموعه‌ها، یکی از تمرین‌های خانه جلسه قبل.



شماره ۶
اسفند ۹۱
دوره ۱۸

با کمک پدر و مادر خود، شجره‌نامه‌ای از سن پدر بزرگ یا پدر پدربزرگ خود تهیه کنید و نمودار آن را در دفتر ریاضی رسم کنید.



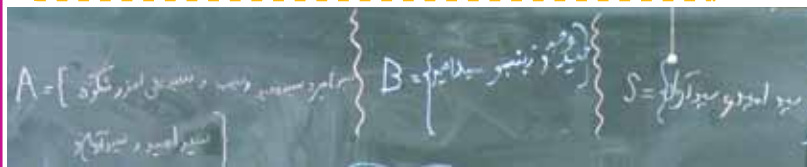
سوالی نمی‌پرسم و همراه دانش‌آموزان به صحبت‌های معلم گوش می‌دهم. پس از اینکه نمودار دانش‌آموز پای تخته کامل شد. آقای کاشانچی از بچه‌ها می‌خواهد با توجه به نمودار به سؤالات او پاسخ دهند:

۱. مجموعه اعضای این خاندان را مشخص کنید (مجموعه A).

۲. مجموعه فرزندان (مجموعه B) و مجموعه نوه‌ها (مجموعه S) را بنویسید.

۳. با توجه به اعضای سه مجموعه مشخص شده، اعضای مجموعه‌های B و S را با هم مقایسه کنید. آیا همه اعضای مجموعه B و S در A وجود دارند؟

بچه‌ها پاسخ سؤالات را می‌دهند و معلم با کمک دانش‌آموزان نتیجه درس آن روز را روی تخته می‌نویسد. چه جالب! پس روشن شد که موضوع درس زیرمجموعه است. لبخند رضایت را در چهره بچه‌ها می‌بینم. شاید قبل از آن، ربط شجره‌نامه خانوادگی به کلاس ریاضی برایشان عجیب بود!



مرور راه گذشته واندکی درنگ در مسیر پیش رو!

نیم نگاهی به مراسم گرامیداشت انتشار
«صدمین شماره مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی»

محمد دشتی

فراوانی و چندگونگی و تنوع رسانه‌ها و سهل شدن دسترسی به آن‌ها، نیاز به راهنمایی و مشاوره را صد چندان کرده است.

● در یک سازمان فرهنگی، هیچ کس نمی‌تواند بگوید من از آموختن بی‌نیازم!

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدیان (رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی) خدای بزرگ را سپاسگزارم که دوباره توفیقی حاصل شد و در جمع همکاران و یاران سابق و لاحق هستیم. خداوند را شاکریم که این نعمت را عطا کرد که به برکت اسلام، قرآن و انقلاب اسلامی، بتوانیم در کنار همدیگر خدمتگذار معلمان و دانش‌آموزان عزیز باشیم.

من مجدداً از دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی که با راه‌اندازی و پیگیری این جلسات، فضای ملاقات و هم‌نشینی با دوستان و پیشکسوتان را فراهم آورده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم. من خوش‌حالم که این روح قدرشناسی و قدردانی در سازمان وجود دارد. اعتقاد دارم که ملاقات کارشناسان و اصحاب تجربه و علم برای مدیران و کارشناسان و مدیران ارشد لازم و درس‌آموز است. مدیران سازمان باید این معنا را درک کنند که بدنه کارشناسی سازمان حرف‌های مؤثری دارند که باید آن‌ها را شنید.

● آنچه باعث شد رشد آموزش راهنمایی تحصیلی پابگیرد، عشق و اراده مسئولان برای کمک به معلمان بود

فروغ تن‌ساز
(اولین سردبیر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی)

برنامه‌ریزی، تدبیر و اداره مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در آن دوره حدیث خاص خودش را داشت. من به

رسیدن به صد سالگی طی کردن یک قرن پرتلاطم و سرشار از تجربه است و رسیدن یک نشریه به شماره صدم، اتفاقی است که می‌تواند مقدمه خوبی برای ادامه حیات مؤثر آن نشریه باشد. اما ایستادن و نگاهی به پشت سر، مروری بر راهی که طی شده و اندیشیدن به راهی که همچنان باقی است نیز، کاری پسندیده است که چند سالی است در حوزه مجلات رشد باب شده است. روز ۱۱ دی ماه ۱۳۹۱، در عین سردی و در سرمای زمستانی آغشته به دود و دم تهران، برای مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی گرما و حرارت خاصی داشت. آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای از حرف و حدیث‌های این محفل انس است.

● اگر کسی نیمی از عمرش را صرف پیدا کردن طیب دل و رهبر معنوی کند، ضرر نکرده است

دکتر سید کاظم اکرمی
(وزیر اسبق آموزش و پرورش، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر در حوزه راهنمایی و مشاوره)

در کتاب‌های عرفانی، امر شناخت راهنما و مشاوره که بتواند راه زندگی را به انسان نشان دهد، آن قدر مهم توصیف شده است که گفته‌اند: «اگر کسی نیمی از عمرش را در پیدا کردن طیب دل و رهبر معنوی و اخلاقی صرف کند، ارزش دارد و ضرر نکرده است.»

این همه نشانگر این است که انسان در همه مراحل زندگی به راهنما و مشاور نیاز دارد و روزگاری هم که ما در آن زندگی می‌کنیم، به خاطر نیاز و ضرورت امر راهنمایی و مشاوره، روزگار سخت و حساسی است. این همه رسانه‌های جمعی و کوچک شدن دنیای ارتباطات، گرچه فرصت‌های زیادی را فراهم کرده است، اما همین



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک** (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)
- رشد دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)
- رشد نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه نامه و هشت شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی آموزشی • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش‌آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهار شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه)
- رشد آموزش قرآن
- رشد آموزش معارف اسلامی
- رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر
- رشد آموزش مشاور مدرسه
- رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ
- رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان
- رشد آموزش ریاضی
- رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی
- رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای
- رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.

♦ تلفن و نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸ - ۲۱

تنهایی سردبیر، مدیر داخلی، عضو هیئت تحریریه و خدمتگزار این مجله بودم، کارها را با وجود نبود امکانات کافی و مناسب، ولی با عشق و علاقه، پیش می‌بردیم.

این مجله معلمان دوره راهنمایی را برای کمک به دانش‌آموزان مهیاتر و مجهزتر کرد

محمد ناصر

(مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی)

خوشبختانه این مجله در عمر حدوداً ۲۱ ساله خود و در بین مجلات رشد، جزو مجلاتی است که مسیر تحولی را طی کرده و تا جایی که مقدور بوده است به برنامه‌های درسی و آموزشی توجه داشته است. در اشاعه این برنامه‌ها و توسعه و نقد آن‌ها راه درست را پیموده و توانسته است پیوند مورد نظر را در حد شایسته‌ای بین کتاب‌های درسی و مجلات رشد برقرار کند. همچنین گمان می‌کنم، مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی در برقراری ارتباط با مخاطبان خود هم موفق عمل کرده و توانسته است تا حد زیادی آن‌ها را با خود همراه و هم نظر کند و متقابلاً از نظرات و آثار آنان در تداوم حیات مؤثر مجله بهره ببرد.

این مجله توانسته است تا حدود زیادی به نیازهای متنوع و گوناگون معلمان این دوره پر تلاطم، یعنی دوره راهنمایی، پاسخ دهد و آنان را برای کمک به دانش‌آموزان نوجوان مهیاتر و مجهزتر کند.

این مجله و آنچه حاصل شده است توجه به جایگاه مدرسه و معلم است

محمد رضا حشمتی

(سردبیر مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی)

اگر کسی در آموزش و پرورش بخواهد حرفی برای گفتن داشته باشد، باید وارد مدرسه شود. اگر بخواهیم تنها در حوزه ستادی حرف بزنیم و تصمیم بگیریم، از اهداف و رسالت‌های خود فاصله گرفته‌ایم. بدون مفاهیم و گفت‌وگوی مستمر و مؤثر بین حوزه ستادی و آنجا که صحنه عمل است (یعنی مدارس) نتیجه مطلوب و مؤثر به دست نخواهد آمد. یعنی مسئله باید از زیست جهان معلم شروع شود. هر مسئله را باید متفکران و صاحب‌نظران به درستی بفهمند. پس از آن باید مسئله تبیین شود تا به حل منتهی شود و در نهایت، آن راه‌حل، خط راهنمای معلم در مدرسه باشد. پس مؤلفان کتاب‌های درسی و نویسندگان مجلات رشد باید خود در عرصه عمل حضور داشته باشند تا با فهم مسائل جاری زیست جهان معلم، بتوانند به وظیفه خود، که کمک به معلم برای توفیق در کار معلمی است، عمل کنند.

اسامی برندگان نظرسنجی

در شماره‌های ۶، ۷ و ۸ دوره قبل، برگه نظرسنجی از مجله را منتشر کردیم و از شما همراهان عزیز خواستیم به سؤالات آن پاسخ دهید. در زیر اسامی کسانی که به قید قرعه انتخاب شده‌اند، آمده است. برای این عزیزان، اشتراک رایگان یکساله این مجله در نظر گرفته شده است. بهناز علمداری، فریا نورانی، علیرضا ولی‌زاده، علی قاسم صالحی، خدیجه قربانلو، سوسن عسگری، مهدی جباری خانقاه، اکرم علی محمدی، هادی کوشا، ماریه منتظری، مجید رضا نوروزی، مجید عزیزی کشکوئی، عبدالله زرنوشه فرهانی، علی موسی‌زاده آهق، عباسعلی سلطانعلیان، راضیه محرابی، آیدا اکبری اولقی، علی وفابور، منوچهر توسلی، بهمن زمانی، خلیل تهمتن، ابوالفضل شمالی، تارا صحرایی کلیمانی، عبدالرشید آرام، رضا جاویدی، افسانه نادری‌نسب، عذرا موسوی، حمدالله قادری، بهرام‌گلدی محرمی، عبدالرحیم جرجانی، باقر قربانزاده، حسینعلی حیدری بالی، عباس فلاح‌پور ملک‌شاه، حمیدرضا حبیبی، مسعود محمدی، عباس قنبری، قدرت‌الله قاسمی‌فر، مرتضی فرحی، احمد غلام‌زاده، رحمان مسیبی، محمدحسن آقاجان‌زاده گنجی، هرمز کلاگر، علیم‌راد نبی‌زاده، رحیمه کردکتولی، فاطمه رضامند، محمدرضا سیفی، اسماعیل محمدی، پرویز جماعت‌نیا، زهرا ایزدی خالق‌آبادی، علی رحمان‌پرست، مریم خانی‌زاده، معصومه آهنگریان، سعادیه حشمتی، علی‌زاده پاشائیان، حالت‌قلی ادی‌زاده، صدیقه صالحی‌پناه، صغری پناهی، مهناز سادات اجالالی پروین، شیده سراج، معصومه عباسی، میترا غلامی، شمین وثوق، اشرف بختیاری، سوسن پورعلی، مینا ملکی، مولود سادات حیدری، مریم باقری، اکرم دارستانی، مژگان علی عسگری و طاهره غمزه.



تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی برگ اشتراک مجله‌های رشد

نحوه اشتراک:

شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست از دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد؛ نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگه‌دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

♦ در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را ذکر کنید:

.....

امضا:

- ♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- ♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir
- ♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۵۶/۷۷۳۳۵۱۱۰/۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۱۲۰۰۰۰ ریال
- ♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۸۰۰۰۰ ریال